

نامه سرگشاده پدر یک شهید به مقامات جمهوری اسلامی ایران

در صفحه ۲

آزموده را آزمودن خطاست!

سی سال از کودتای شوم ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ می‌گذرد - کودتایی که به استقرار رژیم خودکامه ترور و اختلاس در میهن بلاکتیده فامنجر گردید - کودتای ۲۸ مرداد که به اعتراف دوست و دشمن توسط " سیا " و " انتلیجنس سرویس " مطرح ریخته و بدست جاسوسان ریز و درشت آمریکائی و بریتانیایی و عمال و دست‌نشانندگان ایرانی آنلن بموقع اجرا گذارده شده طی ریح قرن کشور ما را بعرصه غارت امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم یانکی مبدل ساخت - در باره کودتای ۲۸ مرداد کتابها و رساله‌های بسیار نگاشته و تحلیلی‌های گوناگونی ارائه شده است - آنچه در این نوشته‌ها جلب نظر می‌کند، شیوه و روش بکار گرفته شده از جانب امپریالیسم در مبارزه علیه نهضت‌های زهائی بخش‌ملی است - اکنون دیگر هیچ کس تردید ندارد که سناریوی " خطر کمونیسم " ساخته و پرداخته " سیا " و " انتلیجنس سرویس " هسته مرکزی تدارک کودتا و پی‌ستون سرکوب نهضت ضد امپریالیستی مردم ایران را در جریان مبارزه در راه ملی کردن صنایع نفت تشکیل می‌داد -

تکیه بر این جنبه موضوع در شرایط مشخص کنونی حائز اهمیت فراوانی است - زیرا آنچه در حال حاضر در کشور ما می‌گذرد، از برخی جهات تشابه و همگونی خارق العاده‌ای با رویداد های سی سال پیش دارد - البته تاریخ با همه جزئیات

بقیه در صفحه ۴

راه توده

شهره‌زادان حزب توده ایران در طرح از کشور

جمعه ۲۱ مرداد ۱۳۶۲ مطابق ۲۹ شوال ۱۴۰۲ و ۱۲ اوت ۱۹۸۳ سال دوم، شماره ۵۴ به شماره ۴۰ - به سال

رفیق ریاحی در زندان شهید شد

خاطر دفاع از انقلاب، " پاکسازی " شده رفیق ریاحی به هنگام شهادت ۳۰ ساله بود - " راه توده " شهادت رفیق اسدالله ریاحی را به همسو دیگر بازماندگان او و رفقای هم‌رزمش تسلیت می‌گوید -

قتل رفیق ریاحی، یکی دیگر از ددمنشی‌های " ساواک " در " خدمت " ج.ا.ا. است و ننگی برای زمامداران کنونی به شمار می‌رود این جنایت بار دیگر تشریح می‌کند که باید همه توان خود را برای رهایی زندانیان تودهای از اسارت عمال امپریالیسم و ارتجاع بکار ببریم -

بنا به گزارشی که از ایران به " راه توده " رسیده است - زندانیان جمهوری اسلامی رفیق اسدالله ریاحی، یکی از اعضای حزب توده، ایران در شهر کرد را به قتل رساند ماند -

رفیق شهید ریاحی که در رشته جامعه‌شناسی در فرانسه تحصیل می‌کرد، پس از پایان دوره فوق لیسانس و پیش از انقلاب ۲۲ بهمن به ایران بازگشت و فعالانه در مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق شرکت جست - وی که مدتی در دبیرستان تدریس می‌کرد به

چرا اعضای "باند سیاه" و حامیان آنها معرفی نمی‌کنند؟

۱۹ تیر ماه رسانه‌های گروهی صاحب‌سه نخست وزیر را با خبرنگار " واحد مرکزی خبر " پیرامون وضع اقتصادی کشور منتشر ساختند - یکی از مسائل مطروحه در مصاحبه اختکار و گران - فروشی است - آقای موسوی با اشاره به وجود " باند سیاه سیاسی و اقتصادی " در بازار گفت :

" اینها کسانی هستند که برای منافع خود حاضرند همه چیز را آلوده کنند، همه چیز را زمین بپزند - اینها وقتی صحبت از شرع می‌کنند، دنبال شرعی هستند که دزدیها و تخلفات اینان را بپوشاند - آنها اگر دم از حمایت روحانیت می‌زنند، دنبال روحانیتی هستند که جواز اباخه به اختکار و گرانفروشی و فساد اینها بدهد ... "

امن اظهار نظر نخست وزیر جالب است - جالب است، زیرا پس از چهار سال و اندی، وی حداقل بوجد " باند سیاه سیاسی و اقتصادی " و روحانیون حامی آن در جمهوری اسلامی اعتراف می‌کند - می‌گوئیم حداقل، برای اینکه آقای موسوی نیز مانند دیگر همکارانش حقیقت را نیمه تمام می‌گوید - ما برآنیم که حقیقت را نباید کلی مطرح کرد - حقیقت مشخص است و باید آنها چنانکه هست با جزئیات فاش ساخت و در معرض قضاوت توده‌ها و زحمتکش قرار داد - حزب توده، ایران از نخستین روز تشکیل خود با پیگیری از این اصل پیروی کرده و می‌کند -

بقیه در صفحه ۸

آنجلادیویس: اتهامات وارده بر حزب توده ایران ساخته و پرداخته امپریالیسم است!

در صفحه ۷

محافل مترقی بین‌المللی، فعالیت جهت نجات جان زندانیان توده‌ای را گسترش می‌بخشند

اعمال روشهای سرکوبگرانه، بی‌بقتی و از نظام های دیکتاتوری در سایر نقاط جهان رسوده است، در میان افکار عمومی مترقی سراسر دنیا، به‌انزوا ی روز افزونی کشیده شده است - فشار این محافل، حاکمیت ج.ا.ا. را مجبور کرده است، به توضیحات و اقداماتی دست بزنند که

بقیه در صفحه ۳

تلاش محافل مترقی بین‌المللی و آزادخواه - هان جهان، به منظور کوتاه کردن دست جلااد و رهانیدن مبارزین تودهای از چنگال درخیمان حکومت جمهوری اسلامی، ادامه دارد و عدم توانائی شکنجه گران در پرده پوشی جنایتشان هر روز نمایانتر میشود - حکومت راستگرایان و تسلیم طلبان کسدر

پایدار باد همستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

نامه سرگشاده پدر یک شهید به مقامات جمهوری اسلامی ایران

در زیر نامه سرگشاده علی محمد واحدی، کارگر برق منطقیهای تهران قسمت نارمک، به مقامات جمهوری اسلامی ایران که چندی پیش به "راه توده" رسید، از نظر خوانندگان دیگری علی محمد واحدی که ۳۰ سال است، بگفته خود، "افتخار کارگری" را دارد، و در مبارزه کارگران علیه رژیم پهلوی و برای پیشبرد هدفهای انقلاب شرکت فعال داشت و از جمله، فرزند خویش را نثار پاسداری از میهن انقلابی کرد. علی محمد واحدی که اینک اختناق رانگین او و خانواده اش را به آوارگی کشانده است، در این نامه نگرانی خویش را از ترکانی مأمول امپریالیسم، کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران در ایران و انحراف انقلاب ایران می داند و می نویسد:

احتراما نظر آنجناب را به عرایض زیر جلب نموده و تقاضای توجه و رسیدگی دارم: اینجناب علی محمد واحدی کارگر بسرق منطقیهای تهران قسمت نارمک حدود سی سال است که افتخار انجام وظایف کارگری خویش را به عهده دارم و سربلندم که در این مدت نسبتا طولانی توانستم کار و همچنین خدمت به مردم را در حد توان و امکانات خود توأم با انجام دهم، خوشحالم که از مال دنیا چیزی مختصری به حکاری انداخته ای ندارم که ترس از دست دادن آن مرا از راه و رسم درست مبارزات خویش، باز دارد.

ما کارگران که بیش از همه طبقات و اقشار جامعه ظلم و ستم حاکمیت شاهنشاهی را تحمل کردیم، با ورزش اولین نسیمهای انقلاب، همه نیرو و توان خویش را نثار کردیم که از شمره انقلاب که خود بزرگترین نقش را در پیروزی و شکوفایی آن داشتیم، بهره مند شویم و بتوانیم حاکم بر سرنوشته خویش گردیم.

سرعت رشد مبارزات خلقهای ستندیده ما و بازگشت امام از تبعید که بالاخره روزهای تاریخی ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۵۷ و واژگونی نظام کهنه سلطنت را بد نیال داشت، باعث شد که شور و عشق وصف ناشدنی من و امثال مرا نسبت به انقلاب و حفظ دست آورد های آن صد چندان سازد و بطوریکه قسمت اعظم افکار و نیروی ما صرف پاسداری و خدمت به این هدف مقدس گردد. چقدر شیرین و بیاد ماندنی است که من و فرزند شهیدم به اتفاق سایر برادران رزنده شبها را به جای استراحت در مقابل کار روزانه، به نگهبانی و پاسداری می پرداختیم و خستگی نمی شناختیم.

بیاد می آورم که روزهای اوج انقلاب اکثر شبها خود و فرزند شهیدم با لباس خونیین به منزل مراجعت کرده و همگی احساس فرور می کردیم که خانواده ما هر یک به سهم خویش در نجات مجسروحین انقلاب که به دست مأموران شاه جیلاد ضربت خورده بودند، نقشی به عهده داشتیم.

افسوس می خورم و درد می کشم که چرا این

امکان از من و امثال من سلب شده است که بی توقع بتوانیم بقیه عمر و زندگی خود را صرف پاسداری از انقلابی سازیم که در خدمت محرومان باشد و آنان را از تحمل بار سنگین ظلم و بی عدالتی رژیم گذشته رهایی بخشد.

افتخار می کنم که در تمام دوره بحسد از انقلاب نمایند "اول شورای برق منطقه قسمت نارمک بود هم و کار مشترک ما به اتفاق سایر برادران همکار در قسمت های دیگر ثمرات نکویی در خدمت به انقلاب و مردم از خود به جای گذاشته است. آخر ما داوطلبانه در خارج از ساعات رسمی و همچنین روزهای تعطیل کار می کردیم و بدون توجه به آینده زندگی خود و خانواده، وجوه این اضافه کاری ها را برای مهارف انقلاب و جنگ تحمیلی اختصاص می دادیم. این ذوق و شوق و فعالت های پرثمر ما کجا رفته است؟ چرا برای مقابله با توطئه ها و هجوم های همیشگی شیطان بزرگ و ایادی داخلش این فداکاری ها رشد نکرده و متأسفانه فروکش کرده است؟

فرزندم به نام کامران واحدی که می بایست بعد از من اداره خانواده را به عهده گیرد، داوطلبانه به خدمت سربازی رفته و سپس از نبردی قهرمانانه در مأموریت دیده بانی جبهه سوسنگرد که مختصری از جریان آن در پرونده مربوطه منعکس است، جان خود را نثار میهن کرد. من نیز پس از شهادت فرزندم به خاطر شرکت در جنگی که به دفع تجاوز و بیرون راندن قوای دشمن از سرزمین ما اختصاص داشت، از اولین داوطلب های محل کار و خدمت بودم. زن و فرزند دیگرم به اتفاق زنان همسایه بسیاری از اوقات خود را صرف تهیه و دوخت و دوز لباس و سایر مایحتاج برادران رزمندگان جبهه می کردند و همگی اعضای خانواده پس از فراغت از کار و انجام وظایف انقلابی خویش، دیدار دلنشین و شادی بخشی داشتیم و از اینکه کار و فعالیتمان جنبه اجتماعی داشت راضی و خرسند بودیم. این گرمی زندگی صرفا به من و خانواده ام اختصاص نداشت بلکه بسیاری از خانواده های کوچ نشین چنین وضع و حالی داشتند چه شد که به این روز افتادیم؟! قدری به خود آئید و ببینید که کای نشینان و مأموران رنگارنگشان چه کرده اند که آب خوش از گلو می پائین نمی رود و هر چه درد و غم مصیبت هست به عناوین مختلف بر سر ما مردم جاری می شود!!

به نظر می رسد که همه این بلاها و شکنجه ها، صرفا نصیب مدافعان انقلاب شده است، اگر بسیاری از مسلمانان انقلابی امروز در معرض انتقامجویی این باند های سیاه حاکمیت قرار نگرفته اند یا این تخمیر مسیر انقلاب به جهت منافع مستکبران، بدون شك فردا نوبت آنان خواهد رسید.

خواهش می کنم کمی هم به درد های ما توجه

کنید و راه چاره ای برای درمان آن بیابید، در ما درد انقلاب است. نمی توان قبول کرد که این همه شهید و معلول که برای تحقق آرمانهای انقلاب نثار کرد ما و این همه ویرانیها و آوارگی ها که بهمین منظور به ما تحمیل شده است امروز شاهد و ناظر باشیم که فراریان مال اندوز و ثروتمند به میهن انقلابی ما بازگشته و به اتفاق جاده صاف کن های داخلی بهره رکنشی از ما کارگران را حتی بیش از دوران شاه دوباره ادامه دهند.

آیا این درست است که من کارگر با این سن و سال و سابق خدمت و افتخاراتی که از خود بجای گذاشتم از ترس یورش مأموران کمیته ها از خانه و کاشانه خود آواره شوم و این حقی را نداشته باشم که لقمه نانی برای زن و فرزند خود تهیه کرده و شب را در خانه خویش به صبح آورم؟!!

اینجناب برای استفاده از مرخصی سالانه طبق موافقتنامه شماره ۶۰۱/۲۳۱۹ مورخ ۶۲/۳/۲۳ اداره برق قسمت نارمک از تاریخ ۶۲/۳/۲۸ می بایست به مرخصی بروم که بسا نظر مسئولان دوزیرت از مرخصی استفاده کردم هنگام مراجعت مطلع شدم که مأموران کمیته انقلاب اسلامی حدود ساعات ۲ صبح اول تیرماه جاری به منزل اینجناب و چند تن از همسایگان هجوم آورده و هر کس را که در خانه بوده بازداشت کردند، محله ما کارگر تشیخ است و گویا وفاداران به نظام سلطنت (که متأسفانه بسیاری از آنان با تخمیر چهره امروز به خدمت گرفته شده اند) از حرکت های مسترما در دفاع از انقلاب و برگزاری مراسم آن در غاب بوده و شرایط را برای انتقامجویی مناسب یافته اند، با توطئه چینی های خود مأموران را به محله ما کشانده و خانواده ها را بی سرپرست و یا آواره ساخته اند که بدینوسیله پاداشی به ما داده باشند.

بی شک اگر منم در خانه بودم امروز به همراه سایر برادران همسایه خود می بایست در زندانی به سر برم که آوازه کشتار و شکنجه مأموران آن همه جهان را فرا گرفته است. ببینید انقلاب تاریخی ما را دشمنان در چه مسیری انداخته اند؟ در حال حاضر انبوه زندانیان را مردم محروم و ستندیده و مدافعان آنان تشکیل می دهند، تروریستهای اقتصادی و محکومان بدون ترس از کترین مجازات، آزادانه به قارت هستی مردم ادامه می دهند و روز به روز هم قدرت آنان بیشتر می شود. آیا معنی حفظ دست آورد های انقلاب و قانون اساسی همین است؟ مگر همه مسئولان امور قضائی و اجرائی و قانونگزاری مملکت مسلمان نیستند و سوگند یاد نکردند که از قانون اساسی و منافع مستحقان دفاع کنند؟! چگونه است که قانون

محافل مترقی بین المللی، فعالیت جهت نجات جان زندانیان تودہ ای را گسترش می بخشند

بقیه از صفحه ۱

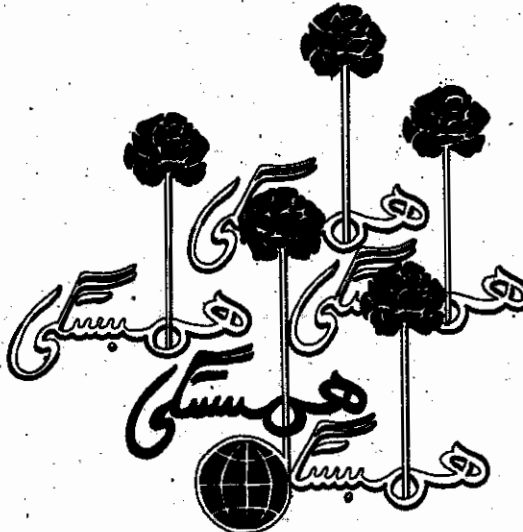
● در تاریخ پنجم ژوئیه (چهارم تیرماه) بدعت "فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان - بخش پونا و یا شرکت" اتحادیه دمکراتیک جوانان بحرین، "اتحادیه ملی دانشجویان بحرین" و "جبهه دمکراتیک دانشجویان سودان در هندوستان" جلسهای در پونا تشکیل شد که در آن، بدنیال قرائت پیامهای همبستگی از جانب سازمانهای شرکت کننده، قطعنامه‌ای بتصویب رسید که نسخهای از آن به سفارت چ ۰۱۰۱۰ در دہلی نور ارسال گردید.

صادر کنندگان قطعنامه، از جمله رفیق ممنوعیت فعالیت قانونی حزب تودہ ایران، پایان بخشیدن به تضيقات علیه حزب و کلیه اعضای آن را خواستار گردیده و در پایان تأکید کرد مانند کلیه مبارزان در بند باستانی از امکانات دفاع از خود برخوردار شوند و محاکمه انسان در دادگاههای بین المللی انجام گیرد، نسه در "دادگاههای" در بسته و فرمایشی جمهوری اسلامی ایران!

● در تاریخ ۲۷ ژوئن (ششم تیرماه)، در جلسه وسیعی که با شرکت بیش از ۱۰۰ نفر از رهبران اتحادیه‌های کارگری کارخانجات شهر بارود و دبیران حزب کمونیست هندوستان، بمنظور همبستگی با حزب تودہ ایران و زندانیان تودہ ای در این شهر تشکیل گردید، پس از بحث و گفتگو در مورد وقایع ایران و بررسی تحولات اخیر، حاضرین با اتفاق آراء قطعنامه‌ای بتصویب رساندند که نسخه‌های از آن جهت درج در روزنامه‌ها و نیز برای سفارت چ ۰۱۰۱۰ ارسال گردید. در این قطعنامه ضمن اشاره به تاریخچه مبارزات حزب تودہ ایران، به زمینه‌های توطئه شوم اخیر علیه این حزب و مبارزان فداکار آن اشاره شد و کارزار شوروی ستیزی که بکک ایالات متحده آمریکا دامن زده میشود، افشا گردیده است.

صادر کنندگان قطعنامه همچنین شکنجه‌های وحشیانه‌ای را که زندانیان تودہ ای در سیاهچالهای چ ۰۱۰۱۰ بدان گرفتارند، تشدید محکوم کرده و در مورد سرنوشت رفقای رهبری، از جمله رفیق مریم فیروز که طبق اطلاعات واصله، احتمالاً جان خود را از دست داده است، شدیدا ابراز نگرانی نمودند و در پایان آزادی بلاد رنگ کلیه انقلابیون زندانی و اعزام هیأتی مرکب از پزشکان متخصص و حقوقدانان بین المللی را به ایران، جهت بررسی وضع انسان، خواستار گردیدند.

● در جلسه همبستگی سازمان صلح و همبستگی ایالت کارناتاکا با زندانیان تودہ ای، در تاریخ نهم ژوئن (۱۹ خردادماه) در شهر بقیه در صفحه ۶



نمایندگان مجمع ملی زنان انگلستان خواستار عزیمت به ایران و ملاقات با مریم فیروز شدند

روز نوزدهم ژوئیه (بیست و هشتم تیرماه) رئیس مجمع ملی زنان انگلستان، همراه دو نفر دیگر از اعضای این مجمع، به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در منچستر مراجعه کرده و مراتب نگرانی خود را در مورد دستگیری اعضای "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" و بویژه سرنوشت مریم فیروز، مسئول "تشکیلات" ابراز نمودند و خواستار کسب اجازه روایت به ایران و بررسی وضع وی گردیدند.

اقدامات محافل کارگری، سازمانهای مترقی هندوستان بمنظور نجات جان مبارزین در بند تودہ ای

بیانیه مشترکی تحت عنوان "زندگی میهن-پرستان را نجات دهید!؛ از طرف" حزب کمونیست هندوستان "در پونا"، فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان بخش پونا، "فدراسیون دانشجویان هندی" در پونا، "اتحادیه دمکراتیک جوانان بحرین" در پونا، "اتحادیه ملی دانشجویان بحرین" بخش پونا و جبهه دمکراتیک دانشجویان سودان در هندوستان "منتشر گردید که در آن ضمن بررسی چگونگی دستگیری رهبران و اعضای حزب تودہ ایران، خواستهای زیر مطرح گردید است:

- ۱- متوقف ساختن هرگونه شکنجه در مورد این مدافعین راستین انقلاب ایران،
- ۲- پذیرفتن هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان، جهت بازدید از زندانیان، از طرف مقامات چ ۰۱۰۱۰
- ۳- آزادی این مبارزین از زندانها.

به رغم کوشش‌های مذبحانهاش در جهتساختن اختفای جنایات حیوانی، به رسوائی ماملان این جنایات بیانجامد. اما وظیفه عاجل که کلیسه آزاد یخواهان ایران و جهان در پیش دارند، هنوز به قوت خود باقی است و باشد که دفاع از جان تودہ مایه‌های در بند، بار دیگر حقانیت راه حزب تودہ ایران را در مبارزه بخاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، باثبات برساند.

پشتیبانی نمایندگان مترقی مجلس عوام و اتحادیه‌های کارگری در بریتانیا از حزب تودہ ایران

متعاقب دعوت "کمیته" دفاع از انقلاب ایران "، هفت تن از نمایندگان برجسته جناح چپ حزب کارگر انگلستان در پارلمان این کشور طی صدور بیانیه‌ای تنفر و انزجار شدید خود را نسبت به اعمال رفتار وحشیانه و شکنجه‌های قرون وسطایی در مورد مبارزین حزب تودہ ایران ابراز نمودند و خواستار اعلام لیست بازداشت شدگان و بازدید یک هیأت بین المللی از آنان شدند.

● جیمز لاموند، نماینده پارلمان و صدر شورای صلح جهانی در بریتانیا، طی اعتراضنامه‌ای حمله به حزب تودہ ایران و اعمال شکنجه‌های بیرمزشانه در مورد رهبران و اعضای آن را شدیدا محکوم نموده است. وی همچنین، بر ضرورت اعزام کمیسیونی بین المللی، مرکب از پزشکان و حقوقدانان، جهت بررسی وضع جسمی و روانی قربانیان این جنایات تأکید ورزیده است.

● هفت تن از چهره‌های برجسته جنبش معدنچیان و از اعضای رهبری این اتحادیه در منطقه کنت بریتانیا و از جمله جک کالینز، دبیر کل اتحادیه در این منطقه، ضمن صدور اطلاعیه‌ای، به دستگیری و شکنجه کادر رهبری و اعضای حزب تودہ ایران شدیدا اعتراض نمودند. آنان تصریح کرده‌اند که این اعمال، با زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین اصول حقوق بشر و پایمال کردن قانون اساسی ایران، انجام گرفته است.

● لرد میل فرد، کمونیست و شخصیت برجسته انگلستان و همسر وی، با امضای اعتراضیه‌ای، در مورد اعمال روشهای غیر انسانی حکومت جمهوری اسلامی ایران در مورد مبارزین تودہ ای، ابراز تنفر نموده و خواستار اعزام هیأتی به ایران، جهت ملاقات با زندانیان و بررسی وضع انسان گردیدند.

آزموده را آزمودن خطاست!

بقیه از صفحه ۱

آن قابل تکرار نیست. ولی در مواردی شیوه های بکار گرفته شده توسط امپریالیسم بقصد سرکوب نهضت های رهایی بخش، در این و بسا آن برهه زمانی عینا تکرار می شوند. در غیر این صورت تجربه اندوزی از تاریخ مفهومی نمی داشت.

از این دیدگاه کنکاش پیرامون یکی از عوامل عمده امتحان تحقق کودتای ۲۸ مرداد ضرور است. رویداد های خونین ۲۳ تیرماه ۱۳۲۰، ۱۷ دیماه ۱۳۲۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ هنوز هم در خاطره ها زنده است. در آن روزها میهن پرستان از جان گذشته ایرانی، و از آنجمله اعضای حزب توده ایران، در دفاع از نهضت ضد امپریالیستی با خاستند و علیه توطئه های امپریالیستی تسلط بر منابع عظیم نفت ایران مبارزه سر سخت، پیگیر و بی امانی را آغاز کردند. عمل سرسپرده امپریالیسم تظاهرات مسالمت آمیز توده های زحمتکش را بخون کشاندند و هزاران نفر را زخمی کردند و کشتند. روحانیون درباری همچون شمس قنات آبادی، سر کرده "مجاهدین اسلام"، محمد بیبانی، شیخ بهاء الدین نوری، فلسفی و دیگر سرسپردگان امپریالیسم در این دسیسه های سبعانه شرکت فعال داشتند. این آقایان، که یگروه های گوناگون وابسته بودند، در مجموع "مأمور پیاده کردن نقشه "خطر کمونیسم" بر ایران بودند. روحانی نمایان از "امت مسلمان" دعوت می کردند، تا برای سدر راه با اصطلاح خطر کمونیسم کفین پوشیده و بمیدان آیند. گروه دیگر برای اثبات وجود "خطر کمونیسم" مأمور جعل اسناد و تنظیم پرونده علیه حزب توده ایران، بود. برای نمونه، سرلشکر مزینی رئیس کل شهرستانی وقت و گروهی از افسران در خدمت امپریالیسم "یانکی" در مدت کوتاهی چنان "اسناد و مدارکی" جعل کردند که می بایست دال بر تدارک کودتا از جانب حزب توده ایران باشند. برای اثبات این نظر سخیف مأمورین شهرستانی اعلامیه های جعلی و در مواردی حتی کتابهای جعلی که در آنها به روحانیون اهانت می شد، بنام حزب توده ایران پخش می کردند. سرگرد فردوست فرمانده وقت "گارد جاویدان" شاه معدوم نقش مهمی در پرونده سازی علیه حزب توده ایران بعهده داشت.

پس از پیروزی انقلاب، زنده یاد آیت الله طالقانی پرده از اعمال قبیح این گونجنایتکاران برداشت. وی گفت که در آن ایام عمال امپریالیسم برای "اثبات" خطر کمونیسم در منزل آقای بیبانی گرد می آمدند و نامه های جعلی تهدید آمیزی به مهر و امضا "حزب توده ایران" تهیه و به آدرس روحانیون ارسال می داشتند.

همه این آقایان ضد کمونیست های حرفه ای بودند و در ازای خدمت صاحب جاه و مال و مقام می شدند. سوم آبانماه ۱۳۳۰ روزنامه "کیهان" در توصیف سرلشکر مزینی نوشت، که این افسر تربیت یافته آمریکا سابقا فرمانده لشکر ۲ گارد مرکز بود، بعد ها ب مقام ریاست کل شهرستانی ارتقا یافت و پس از استعفا از این سمت آجودان سلطنتی شد و "محافل سیاسی او را یکی از نیرومندترین شخصیت های ضد کمونیستی ایران می شناسند". منظور از "محافل سیاسی" زمامداران "کاخ سفید" و گردانندگان "سیا" بودند. یکی دیگر از مهره های ضد کمونیست مشهور سرگرد فردوست بود. وی در دوران شاه پد رجه "سهپسندی نائی و بریاست سازمان مخوف "ساواک" برگزیده شد. نیازی به تذکر نیست، که در آن ایام فقط دستپروندگان "سیا" و افراد مورد اطینان امپریالیسم یانکی می توانستند، به مقامات حساس دولتی دست یابند. یاران مزینی ها و فردوست ها و فلسفی ها در مجلس شورای ملی نیز شعله کمونیسم ستیزی را دامن می زدند.

"چرا ریشه حزب توده ایران را نمی کنید؟" این سخنان از آن جمال امامی، نماینده فرمایشی آن دوره مجلس شورای ملی است. تعداد این قبیل "نمایندگان" اندک نبود. امروز نیز مشابه این نداها در مجلس شورای اسلامی سر داده می شود. آیا این هسانی نظر و گفتار تصادفی است؟ حقایق تاریخی مؤید آنستکه "توده ستیزی و کمونیسم ستیزی همیشه از امپریالیسم الهام گرفته و می گیرد. سی سال پیش با تشدید مبارزه ضد امپریالیستی، کمونیسم ستیزی نیز به نقطه غلیان رسید. آنتونی ایدن، یکی از طرح ریزان نقشه کودتای ۲۸ مرداد، در خاطرات خود می نویسد:

"بر من مسلم شده بود، که صدق هر قدر بیشتر بر اریکه قدرت باقی بماند، حزب کمونیست در ایران قوی تر و نیرومند تر خواهد شد. مناقع بین المللی ما ایجاب می کرد که به صدق امان ند هم و او را آسوده نگذاریم."

اعتراف ایدن افشاگر شیوه امپریالیستی سرکوب نهضت های رهایی بخش طبسی است. اظهارات وی درباره خطر کمونیسم دروغ آشکار است. همه می دانند، که حزب توده ایران در آن روزها نیز تحت پیگرد بود. روزی نبود، که اعضای حزب ما را در خیابانها بقتل نرسانند و گروه گروه آنها را روانه زندان نکنند. یگانه "گناه نابخشو دنی" حزب توده ایران از نظر امپریالیسم و ارتجاع داخلی دفاع بی قید و شرط از استقلال کشور و مبارزه در راه آزادی و

سعادت زحمتکشان بود. تصادفی نیست، که هم "لندن" و هم "واشنگتن" حزب توده ایران را سد عمده و اساسی در راه دستیابی به امیال پلید خود می شمردند. حتی خود ایدن در خاطراتش بناچار به واهی بودن خطر کمونیسم اعتراف می کند و می نویسد، که بخلاف آمریکا، که احتمال روی کار آمدن کمونیستها را می دادند "من واقف بودم، در صورت برکناری مصدق دولت طاقتی می توانست جای او را بگیرد."

در همان روزها مجله نفتی "پترولیوم پرس سرویس" (ژانویه ۱۹۵۱) نوشت:

"... اگر باین زودبیا در وضع سیاسی ایران تخمیراتی بوجود آید، می توان به حل معضل امیدوار بود."

مجله "نیواستیتسن" (۲۱ ژوئیه ۱۹۵۱) بی پرده نوشت:

"از لحن شدید ستر موریس، وزیر امور خارجه، چنین برمی آید که وی دیگر امیدی به دکتر مصدق ندارد و بر آنست که مذاکرات را با شخصی دیگری شروع کند... نفتخواران انگلیسی از اینکه منافع آنان در ایران در معرض خطر قرار داشت سخت نگران بودند. آمریکا آنها پید رنگ به کمک آنها شتافتند. ایدن با مجله به ملاقات آیزنهاور رفت و بعد ها در خاطراتش نوشت:

"وضع ایران آیزنهاور را نگران ساخته بود... من از مذاکرات با وی که موجب نزدیکی نظرات ما شد کاملا راضی بودم. البته وضع در ایران ناهنجار بود. ولی من فکری کردم بهتر است مصدق را عوض کنیم نه اینکه سعی کنیم او را بخریم. در نتیجه مذاکرات در این مسئله موافقت نمودیم."

بدینسان انحصارهای نفتی آمریکا و بریتانیا، که منابع نفتی ایران را بین خود تقسیم نمودند، بودند، متحدان دست اندر کار شده و با کمک "لندن" و "واشنگتن" تدارک کودتای ۲۸ مرداد را دیدند. "خطر کمونیسم" و "تدارک کودتا" از جانب حزب توده ایران هدفش نشان کودتای واقعی امپریالیستی بود. در اعلامیه حزب توده ایران خطاب به آقای دکتر مصدق، که روز ۱۶ شهریور ماه ۱۳۲۱ انتشار یافت، در افشای این توطئه گفته می شد:

"امپریالیست ها بمنظور مشغول کردن اذهان در اطراف "کودتای چپ" سخن بردازی می کنند. امپریالیستها از هم اکنون به دست مستشاران نظامی نقشه های مصلی درباره سرکوبی نمایش ها و جنبش های توده ای از راه "پروا در کبشی طرح کرده" و برای اجزا آماده ساخته اند و هدف آنها زمینه سازی کودتای امپریالیستی است. سیر حوادث حقایق حزب ما را به ثبوت رساند. ولی در آن روزهای سر نوشت ساز دستگاه عظیم تبلیغاتی امپریالیسم سرگرم اشاعه افسانه "خطر کمونیسم" بود. آبانماه ۱۳۳۱ روزنامه "کیهان" نوشت:

"رویترا از لندن خبر می دهد، تحول بزرگی بقیه در صفحه ۱۴

جنگ در چاد در خدمت کیست؟

کشور مدخله نمایندند .
 "تاس" اخبارگزاری اتحاد شوروی نیز از اطلاع داده که رهبران شوروی، دخالت نظامی دولت‌های غربی در امور داخلی چاد را، مطابق با منافع نیروهای امپریالیستی ارزیابی میکنند؛ نیروهایی که می‌کوشند کشورهای قاره آفریقا را به جان یکدیگر بیندازند و منافع تنگ نظرانه خود را، که هیچ وجه مشترکی با منافع خلق‌های آفریقا ندارد، حفظ کنند .
 خلق چاد از جنگی که نیروهای امپریالیستی، موافق سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" به آن دامن می‌زنند، متفرند .
 قطع هرگونه دخالت خارجی می‌تواند آن گونه صلیحی را به ارمغان آورد که مردم چاد بتوانند در سایه آن سرنوشت خود را بدست خویش تعیین کنند و در باره آینده کشور و توسعه حکومت آن تصمیم بگیرند .



ناو هواپیما بر "آیزنهاور" تهدیدی جدی علیه استقلال لیبی

آماده ساخته و به چاد گسیل داشته است .
 آمریکا از طریق مصر و سودان در حال تدارک مقدمات دخالت در چاد است . نیروهای آمریکایی مستقر در دریای مدیترانه شروع به عملیات تهدیدآمیزی علیه لیبی کردند و طبق نوشته نشریه آمریکایی "کریستین ساینس مونیتور" آمریکا به احتمال زیاد در سیر وقایع دخالت خواهد کرد .
 در همین هفته اعلام شد که دولت ایالات متحده کمک مالی برای تقویت رژیم هابره به دولت چاد کرده است .
 هابره اعتراف کرده است که از آمریکا، مصر و اسرائیل کمک نظامی دریافت می‌نماید .
 امپریالیسم می‌کوشد تا به وحدت کشورهای آفریقایی خلل وارد ساخته و "مناطق نفوذ" خود را در این قاره گسترش دهد . سرهم بندی کردن "پیمانهای نظامی" تحت کنترل نیسز، یکی از اهداف تشدید این درگیریهاست .
 هدف دیگری که امپریالیسم دنبال می‌کند، منحرف ساختن اذهان کشورهای "معتدل" عربی از مقابله با اسرائیل و توجه کردن آن به سوی لیبی است .
 تمام این واقعیات نگرانی عمیق محافل مترقی در آفریقا و جهان را برانگیخته است .
 منگستو هایل ماریام، رهبر اتیوپی و رئیس کنونی "سازمان وحدت آفریقا" اعلام کرده که خلق چاد خود بایست سرنوشت خویش را تعیین کنند و نیروهای خارجی حق ندارند در امور داخلی این

هفت هم خرداد ماه سال گذشته، پس از جنگ های سختی که بیش از یکسال ادامه داشت، نیروهای مسلح هابره قدرت را در پایتخت چاد در دست گرفتند .
 این حادثه به دنبال جنگهای دوساله قبل از آن، که بین "نیروهای مسلح دولت موقت وحدت ملی" به رهبری گیکونی اوادی، رئیس جمهور چاد و "نیروهای مسلح شمالی" به رهبری حبیبین هابره، در جریان بود، اتفاق افتاد . حبیبین هابره در آن هنگام وزیر دفاع دولت چاد بود . این مبارزات گاه با موفقیت یکی و گاه دیگری ادامه داشت . نخست نیروهای رئیس جمهور موفق شدند شکست سختی بر نیروهای وزیر دفاع وارد آورند، بطوریکه او مجبور شد به سودان پناه ببرد . اما حبیبین هابره در سودان به کمک مقامات محلی و حامیانش، نیروهای خود را از نو مسلح و آماده کرد و مبارزه را برای کسب قدرت، مجدداً آغاز نمود، که این بار به سود او تمام شد .
 یکی از علل موفقیت هابره پشتیبانی دول امپریالیستی عضو ناتو، فرانسه و آمریکا و دولت های دست نشانده آنان در آفریقا از اقدامات او بود .

بنگاه تلویزیونی "سی-بی-اس" آمریکا فاش ساخت، که دولت آمریکا ده میلیون دلار برای مسلح کردن نیروهای حبیبین هابره وساقط کردن دولت چاد، در اختیار "سیا" گذاشته است . امپریالیسم می‌کوشد با استفاده از مشکلات و تضاد های موجود در چاد، تسلط خود را در این سرزمین، که دارای اهمیت استراتژیکی در مرکز آفریقای شمالی است، تثبیت کند .
 دولت فرانسه و آمریکا سعی دارند با دخالت مستقیم در درگیریهای چاد، تحت لوای دروغین جلوگیری از "مدخله لیبی"، هر یک حاکمیت خود را در این کشور برقرار سازند . فرانسه یک پل هوایی میان فرانسه و چاد بوجود آورده که منظمآ اسلحه و مهمات در اختیار نیروهای حبیبین هابره قرار می‌دهد .
 فرانسه حتی نیروهای نظامی کشورهای همسایه را برای شرکت در این درگیریها به سود هابره

تشکیل "جبهه نجات ملی" در لبنان

خطر "جاویدان" شدن اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل تشدید گردیده است . به ایمن جهت "جبهه نجات ملی" از دولت لبنان مطالبید در برابر سیاست تحمل شده از جانب امپریالیسم و صهیونیسم، بطور جدی مقاومت کند .
 در منشور گفته میشود:
 "نقشه تقسیم لبنان، که توسط اسرائیل با کمک های سیاسی و نظامی ایالات متحده آمریکا طراحی شده و هدفش انضمام بخش بزرگی از خاک لبنان به اسرائیل است، باید عقیم گذاشته شود ."
 احزاب شرکت کننده در "جبهه نجات ملی" بقیه در صفحه ۱۵

این جبهه تأکید شده است، که هر کس و هر نیرویی که در جنوب لبنان بطور فعال علیه اشغالگران می‌رزد باید مورد پشتیبانی قرار گیرد .
 تشکیل این جبهه هنگامی ضروری شد که تمامیت ارضی و حق حاکمیت لبنان، بر اثر تجاوز اسرائیل به کشور و فشارهای امپریالیستی-صهیونیستی ناشی از آن مورد تهدید جدی قرار گرفته است .
 بویژه پس از انعقاد موافقت نامه اسرائیل - لبنان زیر چتر ایالات متحده آمریکا

چندی پیش در لبنان جبهه "نجات ملی" با شرکت هفت حزب، از جمله حزب کمونیست لبنان و حزب پیشرو سوسیالیستی و همچنین شخصیت های سیاسی معروفی، مانند رشید کرامه، نخست وزیر پیشین و سلیمان فرانجیه رئیس جمهور اسبق، بنیان گذاری شد .
 هدف اعلام شده این جبهه آنست که تمام نیروهای ملی و میهن پرست را علیه اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل بعنوان میراثی و وظیفه کنونی بسیج کند .
 در منشور پایه گذاری

محافل مترقی بین المللی، فعالیت جهت نجات خان زندانیان توده‌ای را گسترش می‌بخشد

بقیه از صفحه ۳

بنگور، که در آن نمایندگان احزاب و سازمان های مترقی هند وستان شرکت داشتند، قطعنامه‌ای با تفاق آراء تصویب رسید که ضمن محکوم کردن اعمال شکنجه های وحشیانه در مورد مبارزان زندانی، آزادی کلیه آنان را خواستار گردیده است.

● مرکز اتحادیه کارگران هند وستان، در اطلاعیه مطبوعاتی که در تاریخ هشتم ژوئیه (۱۷ تیرماه) به مناسبت شهادت رفیق حسن حسین - پسر تبریزی، بر اثر اعمال شکنجه‌های بربرمنشانه، منتشر ساخته است و ضمن ابراز تفر شدید کارگران هند وستان از جنایت انجام شده، پایان دادن به این اعمال وحشیانه و تظییقات علیه حزب توده، ایران و مبارزین زندانی را خواستار گردیده و همبستگی خود را با آنان اعلام کرده است.

تظاهرات سازمانهای مترقی هندوستان در دهلی نو، بدنبال شهادت رفیق آوانسیان در زوشکنجه

روز سیزدهم ژوئیه (بیست و دوم تیرماه) بنا به دعوت ۹ سازمان دانشجویی مترقی در هند وستان، تظاهراتی بمنظور اعتراض به اعمال شکنجه‌های وحشیانه‌ای که منجر به شهادت رفیق کاکیک آوانسیان، عضو کمیته مرکزی حزب توده، ایران شده، در دهلی نو برپا گردید. تظاهر کنندگان با حمل پلاکارتهایی در زمینه محکوم نمودن شکنجه‌ها و آزادی مبارزان توده‌ای و با دادن شعارهایی از جمله: "جلاد ننگت یاد!" "دشمن یکی است، آمریکا" و "درد آتشین بر رفیق آوانسیان"، به جلوی سفارت ج ۱۰۱۰ رسیدند. در اینجا تنی چند از رهبران سازمانهای دانشجویی به سخنرانی در مورد وقایع اخیر ایران و اعمال تظییقات و فشار علیه حزب توده، ایران و رهبران و اعضای آن پرداختند و سپس قطعنامه‌ای با تفاق آراء تصویب رسید که در آن این اعمال شدیداً محکوم شده و آزادی انقلابیون در بند را خواستار گردیده بود. از آنجا که مأمورین سفارت ج ۱۰۱۰ از تحویل قطعنامه خودداری ورزیدند، تظاهر کنندگان، آنرا در جلوی سفارتخانه نصب کردند و به دادن شعار هایی علیه مسببین جنایت هولناکی کسسه به شهادت رفیق آوانسیان انجام داده است، پرداختند.

گزارش شرح تظاهرات در مطبوعات هند وستان انعکاس یافته است.

آمریکا

در روزهای ۱۶ و ۱۷ ژوئیه (۲۵ و ۲۶ تیر) در جلساتی که در کلیسای کویکرها (گروهی

از مذهبیون بشر دوست و صلح طلب آمریکا) در شهرهای نورمن واکلاهما تشکیل شد؛ پس از بحث و گفتگو درباره رویداد های اخیر ایران، بازداشت‌های خودسرانه و اعمال شکنجه، بویژه در مورد رفیق مریم فیروز، مسئول تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، و سایر اعضای این سازمان و قرائت اعلامیه "تشکیلات" در این مورد، شرکت کنندگان در جلسه، ضمن امضای بیانیه‌ای در مورد محکوم کردن این شیوه‌های وحشیانه، نسخه‌هایی از آن را بد فتر سازمان ملل و همچنین نماینده ایران در سازمان ملل متحد ارسال کردند. سازمانها و افراد مترقی دیگری که این بیانیه را با امضا رساندند، از



قرار زیرند:

- سازمان زنان طرفدار برابری حقوق و برابری نژاد در اکلاهما. گروه صلح آمریکا
- پرفسور چین لانکاستر، دانشمند برجسته آمریکائی و رئیس بخش انسان شناسی. پلیسی گایگر، مدیر انستیتوی مرکز سرخ پوستان آمریکا
- پرفسور جان مور، استاد دانشگاه انسان-شناسی دانشگاه نورمن. انجمن دانشجویان کرد در آمریکا. اویو توره، وکیل برجسته و مترقی، عضو کنفرانس ملی وکلای سیاه پوست و اتحادیه ملی مخالف تبعیض نژادی و ستم ملی. جویس پارکس ساندروز، وکیل، عضو کنفرانس ملی وکلای سیاه پوست. نماینده دانشجویان مترقی پوستانی - اتحادیه صلح برای خاورمیانه. پرفسور کراکلت، رئیس انستیتوی تاریخ دانشگاه اکلاهما
- اعضای کمیته ایالتی حزب کمونیست آمریکا، منطقه جنوب. سازمان جوانان کمونیست اکلاهما
- درگ پار، عضو جامعه وکلای مترقی. وکلای سیاه پوست از آفریقای جنوبی. باربارا تروه، نماینده فدرا تیو دمکراتیک زنان رنگین پوست.

- در ماه ژوئن در مراسم گوناگونی که در شهر های مختلف شمال کالیفرنیا در آمریکا، برپا شد، شرکت کنندگان، با امضای بیانیه‌های متعدده همبستگی خود را با حزب توده، ایران و رهبران و اعضای در بند آن اعلام کردند و خواستار اعزام هیأتی به ایران جهت دیدار از زندانیان و نیز برگزاری محکومات علنی و قانونی برای آنان گردیدند.
- از جمله مراسم فوق، جشنی است که به مناسبت سی امین سالگرد انقلاب کوبا در تاریخ بیست و سوم ژوئیه (۲ مرداد ۶۲) در شهر برکلی برپا گردید.

کنفرانس مطبوعاتی در ایتالیا

اسلامی به نمایش گذارده شده که تأثر و تعجب شدید حاضرین در جلسه را برانگیخت.

نپس به سوالات خبرنگاران درباره سیاست حزب توده، ایران بخاطر بیسیج خلصیق و حفظ توان توده‌های زحمتکش و اتحاد نیروهای ضد امپریالیست و مردمی در جیبسه متحد خلق که یگانه وسیله پیروزی انقلاب است، پاسخ داده شد.

در پایان با اشاره به موج همبستگی بین-المللی با حزب توده، ایران و دستاوردهای کمیته بین المللی دفاع از زندانیان توده‌ای که خواستار اعزام کمیسیونهای پزشکی و حقوقی ناظر بین المللی و برگزاری يك دادگاه علنی با حضور وکلای مدافع است، از تمام نیروهای ترقیخواه و عدالت‌جو در سراسر جهان و ایتالیا خواسته شد با استفاده از تمام وسایلی ممکن به یورش به حزب توده، ایران اعتراض کنند و از این طریق کودتای خزنده درج ۱۰۱۰ را افشا کنند.

در تاریخ ۸۳/۷/۲۲ (۱ مرداد ۶۲) در شهر روم به پیسه اینتکنار هواداران حزب توده، ایران در ایتالیا کنفرانس مطبوعاتی برای افشای تظییقات علیه توده‌های در بند و شکنجه‌های اعمال شده در مورد آنان برگزار شد.

در این کنفرانس عده‌ای از خبرنگاران رسانه های گروهی از جمله خبرنگار روزنامه "میدل ایست" و "لارپوبلیکا" بر تیراز ترین روزنامه ایتالیا و نمایندگان برخی سازمان های خارجی مقیم ایتالیا، از جمله حزب کمونیست یونان شرکت داشتند. در ابتدا تمللی از اوضاع سیاسی کشور در ارتباط با تغییر و تحولات اخیر جامعه ایران و چونگی تثبیت سیاست تروه‌های راستگرا در حاکمیت جمهوری اسلامی و تظییقات علیه حزب توده، ایران توسط يك رفیق حزبی ارائه شد. سپس ویدئو فیلم به اصطلاح "آقاربر" تلویزیونی بشابه زنده ترین سند شکنجه و پایمال کردن کوچکترین حقوق انسانی در جمهوری

آنجلادیویس:

اتهامات وارده بر حزب توده ایران ساخته و پرداخته امپریالیسم است!



۱۹۷۰ به اتهام واهی، از طرف پلیس فدرال آمریکا، اف. بی. آی. دستگیر شد. آنجلا دیویس در اثر فشار افکسار عمومی بین المللی که یکمده آزادی این مبارز آمریکایی را خواستار شده بود، پس از سه سال از زندان آزاد گردید!

"راه توده" صاحبهای با رفیق آنجلا دیویس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا و نایب رئیس "اتحاد ملی علیه ستم نژادی و سیاسی"، آنجلا داده است، که بخش هایی از آن از نظر خوانندگان میگذرد.
رفیق آنجلا دیویس خود در ۳۰ اکتبر

امروز بچه در مورد روزنیرگ ها و چه در مورد رهبران حزب توده ایران، حتی کوچکترین مدرکی بر له این اتهامات وجود ندارد. ما از وجود شباهت های برجسته تاریخی بین تجارب و حزب عمیقاً نگرانیم.

من از طرف حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا عمیق ترین احساسات همبستگی خود را با آنان که در داخل ایران مبارزه می کنند، اعضای حزب توده ایران و همچنین دیگر نیروهای دمکراتیک ایران می نامیم. من خصوصاً می خواهم ابراز همبستگی سازمانهای مترقی زنان این کشور را با رفیق مریم فیروز مسئول تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و اعلام نمایم. زنان ایران نقش بسیار مهمی، نه فقط برای احقاق حقوق زنان بلکه برای حقوق کودکان و حقوق همه مردم ایران ایفا کرده اند. شواهد حاکی از آنست که رفیق مریم فیروز تحت شکنجه قرار گرفته و شایع است که وی در زندان به شهادت رسیده است. ما عمیق ترین احساسات همبستگی خود را با وی و با همه آنان که برای یک زندگی بهتر بخاطر فرزندان آینده ایران تلاش می کنند اعلام می نمایم.

گاس هال دبیر اول حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا اخیراً بیانیهای را که توسط دبیر اول احزاب کمونیست در سراسر جهان تهیه شده بود امضاء نمود و در آن آمادگی رفقای ما را برای شرکت در جنبش همبستگی بین المللی که بمنظور پایان دادن تضییقات علیه اعضای حزب توده ایران اعلام کرد.

فکر می کنید که تأثیر وقایع اخیر ایران بر اوضاع خاور میانه و جهان چگونه باشد؟

ج برای تحقق یک راه حل صلح آمیز در خاور میانه، و بخصوص در رابطه با مبارزه در راه صلح جهانی، آینده انقلاب ایران از اهمیت حیاتی برخوردار است. پیروزی انقلاب ایران در سال ۷۹ تنها یک پیروزی برای مردم ایران که مدت یک ربع قرن توسط شاه بیرحمانه مورد ستم قرار گرفته بود نبود، بلکه این پیروزی دستاوردی برای همه نیروهای صلح دوست جهان محسوب می شد. با در نظر گرفتن اوضاع خاور میانه و نقش اسرائیل بعنوان پاسدار امپریالیسم در منطقه، خطی مهم است که انقلاب ایران در راهی که بتواند با اهداف امپریالیسم و صهیونیسم در

نظر شما در مورد تضییقات اخیر علیه حزب توده ایران چیست و نقش حزب را در انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران چگونه ارزیابی می کنید؟

ج در آغاز مایلیم این نکته را اعلام کنم که به نیروهای مترقی سراسر جهان، که انزجار شدید خود را از افزایش حملات اخیر به حزب توده ایران اعلام داشته اند، پیوسته همم. اکنون همسواران نفس از اعضای حزب توده ایران دستگیر شده و زیادی از آنان تحت شکنجه قرار گرفته اند. طبق اطلاع من تا کنون حداقل دو نفر از اعضای رهبری حزب به شهادت رسیده اند. واضح است چه برای که تبلیغات (امپریالیستی) از حزب توده ایران ترسیم کرده اند، کاملاً غلط است. حزب توده ایران در راه تثبیت انقلاب نقش اساسی ایفا کرده است.

در زمینه تلاش برای ایجاد یک جنبش متحد دمکراتیک، نقش فعالیت های ضد امپریالیستی حزب توده ایران در عرض سالهای طولانی قبل از انقلاب و بخصوص در سالهای بعد از انقلاب فوریه ۱۹۷۹، عمیقاً برجسته است. من اطمینان دارم که در آینده بسیار نزدیک تلاش برای جلوه دادن حزب توده ایران به عنوان "دشمن انقلاب ایران خنثی خواهد شد. وقایع اخیر ایران بخصوص برای اعضای حزب کمونیست ایالات متحده تکان دهنده بود، چرا که عده زیادی از رفقای ما فعالیت در شرایط غیر قانونی را از دوران مک کارتیسم در این کشور بیاد دارند. دورانی که کمونیست ها ملزم به معرفی خود به ارگانه های پلیسی و امنیتی بودند، و در صورت معرفی، به عنوان اشخاصی که شرنوکنی، قهر آمیز دولت ایالات متحده را تبلیغ می کردند دستگیر می شدند. عده زیادی از رفقای ما در این دوران دستگیر شدند و سالهای زیادی را در زندان گذراندند. گاس هال، دبیر اول حزب، و هنری وینستون، دبیر کل، هر یک به ترتیب شش و هشت سال در زندان های این کشور بسر بردند. وقتی که اتهامات وارد شده (به رهبران حزب توده ایران) را می شنوم، اعدای بیرحمانه اتل و زولویوس روزنبرگ را بیاد می آورم که به همین "جبرم جاسوسی" برای شوروی متهم شده بودند.

خاور میانه مقابله کند ادامه یابد. ما آگاهیم که دولت ایالات متحده، به نمایندگی از طرف شرکت های چند ملیتی، نمی خواهد شاهد این باشد که ایران در یک جهت مترقی پیش رود و از سال ۱۹۷۹ در سطح گوناگون کوشیده است که نیروهای مختلف را در داخل ایران به اردوی امپریالیسم بکشاند.

من معتقدم آنچه امروزه در ایران میگذرد، یعنی بالا گرفتن تعقیب و آزار اعضای حزب توده ایران و سایر افراد و سازمانهای مترقی، مستقیماً به تدارکاتی که از طرف امپریالیسم آمریکا چیده شده مربوط است. البته وقتی که ما اوضاع جهانی را در چهار چوب تاریخی بررسی می کنیم، اطمینان داریم دیری نخواهد گذشت که امپریالیسم بزنانو در خواهد آمد و انقلاب ایران موفق به احیای خود و ادامه حرکت در جهت دمکراتیک و صلح آمیز می شود.

فکر می کنید برای نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران دارید؟

ج طی سالهای زیادی، افراد و سازمانهای پیشماری در ایالات متحده در حمایت از نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران فعالیت می کردند. من بخاطر دارم که در سال های قبل از انقلاب سال ۱۹۷۹، تظاهرات و میتینگ های متعددی در تلاش برای توسعه روحیه همبستگی وسیع با زندانیان و قربانیان شکنجه و آزار ساواک برگزار می شد. امروز شاهد

این هستیم که انقلاب ایران در راه شکست گام بر میدارد، پیوسته تلاشهای امپریالیسم آمریکا برای منحرف کردن انقلاب از مسیر اصلی آن را باید در این رابطه ارزیابی نمود. بدین جهت من مایلیم عمیق ترین احساسات همبستگی خود را با نمایندگان واقعی جنبش دمکراتیک انقلاب ایران ابراز نموده و حمایت خود را از آنان اعلام نمایم. ما همبستگی خود را با حزب توده ایران، با سازمانهای زنان، سازمانهای جوانان و سازمانهای صلح و همه آنهاست که برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند اعلام می نمایم.

چرا اعضای "باند سیاه" و حامیان آنرا معرفی نمی کنند؟

بقیه از صفحه ۱

مگر حزب توده، ایران نمی گفت: باند سیاه نیرومندی در کلیه شئون اجتماعی ریشه دوانده و می خواهد از انقلاب یک ظاهر حقیر و شبی شده از هرگونه محتوی پسان شیر بی یال و دم و اشکم باقی گذارد؟ مگر حزب ما پارها پیرامون اعمال ضد مردمی کلان سرمایه داران اعلام خطر نکرد؟ یکی از "گناهان کیسره" حزب توده، ایران آنستکه کوشید انگشت روی تک تک اعضا، این "باند سیاه" بگذارد و آنها را به جامعه معرفی کند. ولی نتیجه چه شد؟ نظرات اصولی حزب ما را تحریف و مسخ و منله کردند. بغض و کینه و تهمت و افترا جایگزین حق شد. اعضای "باند سیاه" و حامیان آن در کسوت "روحانی" را آزاد گذاردند تا به جنایت، آری جنایت خود، که امکان ادامه دهند و در مقابل اعضای حزب توده، ایران را، که حق می گفتند و از عدالت اجتماعی دفاع می کردند روانه "سیا" هجالها نمودند. چنین عکس العملی غیر منظره نبود. کسانی که در جوامع طبقاتی باید اصولند، از عدالت اجتماعی به معنای واقعی کلمه مواز منافع زحمتکشان دفاع می کنند، در زیر یا حملات و ضربات بیرحمانه مخالفان عدالت اجتماعی روبرو می شوند. این سرنوشت همه احزاب مدافع زحمتکشان در کلیه کشورهاست، که در آنها آزادیهای دگرگون زیر پا گذارده می شود. ولی هیچ نیروی قادر نیست، حقایق را از مردم پنهان سازد.

مردم می پرسند: آنانیکه حاضرند همه چیز را از بین ببرند، چه کسانی هستند و چرا اسامی این خائنین به ملک و ملت را منتشر نمی سازید؟ چهار سال است درباره کلان سرمایه داران دزد و فاسد و فارتگر برجسته سخن می گویند، چهار سال است به توده های از هستی ساقط شده و عده مبارزه با گرانفروشان و محترکین می دهند، ولی گام محسوسی در ریشه کن ساختن این بلیه عظیم اجتماعی بر نمی دارند. چرا؟

آقای علی اکبر آذری نامی در نامه ای به "اطلاعات" (۱۹ تیر ماه ۶۲) می نویسد: "سینای جمهوری اسلامی" گاهگاهی یکی از انبیا های محترکین را با اجناس احتکار شده به معرض دید و تماشا می گذارد. یک شب انبیسار جای با مقدار مثلاً ۱۲۰ تن چای احتکار شده، شب دیگر انبیری را با هزاران پیت پیت احتکار شده، چند شب دیگر انبیری با ۱۷۰۰۰ طاقه پارچه احتکار شده، اخبار مشابه در رسانه های گروهی هم انتشار می یابد، حتی این اخبار بعضی وقت ها "سرنبرها و پشت میز خطابه ها" وسیله گویندگان مذهبی گفته می شود و احیاناً در نمازهای جمعه و خطبه های آن نیز مورد بحث قرار می گیرد.

حق با نویسنده نامه است. چنین آمار و اخباری هر روز انتشار می یابد. مثلاً ۳۰ تیر ماه آقای عزیزیان، حاکم شرع و رئیس دادگاه انقلاب

موز صنفی تهران، در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام داشت، در سرای بازرگانی تهران ۲۰۰ میلیون تومان پارچه قاچاق، ۲۰۰۰ چرخ خیاطی، ۱۸۰ تا ۲۰۰ تن چای و مقدار زیادی لوازم خانگی و ماشین رختشویی کشف شد.

حال برگردیم به نامه آقای آذری، وی می نویسد:

"چیزی که در این میان واقعاً سؤال انگیز و تعجب آور است، این است که همه ملت می دانند که همواره اختراعات را با مخترعین، اکتشافات را با مکتشفین، جنایات را با جانیان، اموال مسروقه را با سارقین و عکس مقتول را با قاتل و یا قاتلین وی بر مردم نشان می دهند، ولی چرا این اصل معمول و متداول، درباره احتکار محترکین اجرا نمی گردد؟"

سؤال بجائی است. مشابه این سؤال را میلیونها ایرانی در سراسر کشور مطرح می کنند، ولی نه شنونده ای وجود دارد و نه پاسخگوئی. آقای آذری در پایان نامه چنین نتیجه می گیرد: "من پیشنهاد فکر نمی کنم، که این کار نه به ملت و نه به مملکت و نه به انقلاب و نه به دولت و نه به هیچکس غیر از محترکین و اربابان نشان چیز نفع ضرری داشته باشد."

اشتباه نویسنده نامه نیز در آنجاست که خیال می کند، انتشار نام و نشانی محترکان بجز از خود آنان برای کس دیگری ضرر ندارد. اینک معرفی "باند سیاه" به ملت و انقلاب زیانی ندارد. جای کوچکترین تردید نیست. ولی این فقط یکاری سکه و از نظر اکسیر گردانندگان اهرمهای اقتصادی روی بی اهمیت سکه است. روی دیگر سکه همدستان محترکان در ارگانهای دولتی و "نهادهای انقلابی" و به گفته نخست وزیر در بیین روحانیون هستند. اینان شریک دزد و رفیق قافله اند. درست به همین سبب از آنها نام نمی برند. درست به همین علت در سخنرانیها و خطبه ها و مصاحبه از دایره حرف و تهدید بی پشتوانه یا فراتر نمی گذارند.

همین چندی پیش، ۱۱۰ نفر از نمایندگان مجلس آقای عسگر اولادی وزیر بازرگانی و عضو شورای مرکزی "حزب جمهوری اسلامی" را استیضاح کردند. آنها در جریان بحث از دزدیهای کلان در فروش آهن و شیشه و برنج و لوازم خانگی و غیره پرده برداشتند و گفتند که پس از آزاد شدن خرید و فروش برنج داخلی به ابتکار وزارت بازرگانی، کلان سرمایه داران بازار طی چند هفته ۵۰ میلیارد ریال بچیب زدند. نتیجه استیضاح و افشاگری چه شد؟ آقای عسگر اولادی استعفا داد، ولی یارانش در وزارت بازرگانی و بازار مانند سابق با اعمال ضد مردمی ادامه می دهند. اگر دقت کرده باشید، آقایان نمایندگان با مصطلح "حامیان مستضعفان نیز

با را" از گلیم فراتر نگذاشتند و نام و نشانی دزدان و فارتگران بازاری را بر زبان جاری نساختند. مثلاً آقای حسن حسن زاده در جلسه ۱۶ اردیبهشت مجلس گفت:

"۰۰۰ در زمینه بازرگانی، که وزارت بازرگانی متأسفانه تبدیل به وزارت بازاری شده است، و امروز سرمایه داران بازار میلیونها تومان در این وضعیت جنگی سوء استفاده می کنند و آنهمه اعلام خطرها و نصیحت امام دارند، ندیده گرفته می شود."

در همین آزاد کردن برنج، که قیمتش چند برابر بالا رفت، یکی از مسئولین می گفت، نزدیک پنج میلیارد تومان در همین جریان آزاد کردن برنج به جیب عده های از سرمایه داران رفت. چه کسی مسئول این وضعیت تنگ آور است؟ آقایانی که دم از اقتصاد آزاد و تجارت آزاد می زنند، آقایانی که می گویند ما بهتر از شما که دارید دقت دقیق حساب می کنید، می فهمیم، آقایانی که تا هر کسی دم از مستضعفین و حرف از مردم محروم جامعه و فقر مردم می زند، برچسب چینی به او می زنند، چه کسی از این زمینه ها سود می برد؟

آیا این آقایانی، که خواهان "اقتصاد و تجارت آزاد" اند و هر کسی سخن از مردم محروم جامعه و فقر مردم میان آرد برچسب چینی با او می زنند، فاقد هیت اند؟ منیع قدرت این "باند سیاه" مسئول وضع "تنگ آور" کنونی کجا است، که گفته آقای حسن حسین زاده حتی "اعلام خطرها و نصیحت امام" را نادیده می گیرد و آب از آب تکان نمی خورد؟

آقای عزیزیان هم در مصاحبه نامبرده "اسرار" را فاش نمی سازد. وی پس از اشاره به "مسائل" برنج، آهن، لوازم خانگی و غیره، که در بازار با چند برابر قیمت بفروش می رسد، می گویند مسئول گرانفروشی کیسه های پلاستیکی را به دادگاه کشاندیم و در حدود ۷۰ میلیون تومان (درست دقت کنید: ۷۰ میلیون تومان، آنهم فقط از یک نفر) جریمه کردیم. این آقای میلیونی، که قادر به پرداخت ۷۰ میلیون تومان جریمه است، کیست؟ رئیس "دادگاه انقلاب امیر صنفی" در این باره سکوت می کند. کسیکه بتواند ۷۰ میلیون تومان جریمه بپردازد، حداقل دو برابر آنرا قبلاً بحساب میلیونها ایرانی بخارت برده است. آیا مسئولین دادگستری با اکتفا به دریافت جریمه عملاً در چاه زحمتکشان شرکت نمی کنند؟ آقای عزیزیان می گویند:

"الان ما در دادگاه پرونده های داریم و به یک جائی رسیدیم، که اگر انشاء الله برادران در سایر ارگانها با ما همکاری کنند و بتوانیم آنها را به چنگال قانون بیاوریم، فکر می کنم، مسئله حل می شود."

بقیه در صفحه ۹

چرا اعضای «باند سیاه» و حامیان آنرا معرفی نمی کنند؟

بقیه از صفحه ۸

چرا "برادران" در سایر ارگانها با دادگاه همکاری نمی کنند و به چه علت نمی توانند کلان سرمایه داران غارتگر را به چنگال قانون بیاورند؟ آیا "اگر و مگرهای" مطروحیه توسط آقای عزیزان، مؤید نظر ما درباره ارتباط "باند سیاه" با پارهای از مقامات عالی رتبه دولتی نیست؟ آقای عزیزان در ادامه سخنان خود می گوید، اگر موضوع حل نشد، "من مجبورم در صاحبی بعدی نام صاحب پرونده و نشانی محل هایی را که آهن و کره و غیره از آنجا خارج شد اعلام دارم". معنای صریح این اظهارات چنین است: می دانم ولی نمی گویم! چرا نام صاحبان پرونده و نشانی محل های را که آهن و کره و دیگر مایحتاج زندگی مردم از آنجا خارج می شود، با مردم در میان نمی گذارید؟ رئیس دادگاه در پاسخ وعده می دهد و می گوید، اگر این افراد با یک دفعه جریمه و یک دفعه تعزیر بدنی متنبه نشدند و "باز دست باین عمل خلاف اسلام و قانون زدند و برای دفعه سوم و چهارم پد دادگاه آمدند، ما تصمیم داریم رسانه های گروهی را دعوت کنیم و اینها را در مقابل دوربین تلویزیون محاکمه کنیم، تا همه مردم قیافه آنها را ببینند و آنها را بشناسند و گول ظاهر آنها را نخورند و فکر می کنم با این عمل دیگر آنها نمی توانند زندگی کنند".

ضحك و درد آور است. مردم، وقتی اینگونه سخنان را از مسئولین می شنوند، بحق می گویند، اگر شما واقعا هم معتقدید که با چنین اقدام ساده های زلوهای اجتماعی دیگر "نمی توانند زندگی کنند"، چرا از هم اکنون اینکار را انجام نمی دهید و چرا منتظرید تا برای دفعه سوم و چهارم خون زحمتکشان را بکنند؟ مگر چهار سال از کار جریمه و تعزیر تغییر می در وضع بوجود آورده است؟

آقای نخست وزیر می گوید، شمشیر دادگاه های انقلاب همیشه بر طبله فساد بلند شده و "من قول می دهم، اگر اجحاف و ظلم این "باند سیاه" ادامه پیدا کند، این شمشیر بر علیانها با شدت بکار گرفته خواهد شد". میلیونها ایرانی محروم بسیار خرسند خواهند شد، اگر واقعا نیز این وعده نخست وزیر تحقق یابد. ولی مردم ایران حق دارند تردید کنند. می گویند: مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد. شمشیر دادگاههای انقلاب تا کتون بطور عمده فقط بر فرق دها هزار از اعضای سازمانهای

مترقی و انقلابی فرود آمده و هنگامیکه مقابله با "باند سیاه" مطرح گردیده است، دادگاه های انقلاب شمشیرها را بلافاصله غلاف کرده اند. توضیحات برخی از مسئولان عالی رتبه دادگاه های انقلاب پیرامون اظهارات نخست وزیر نشانگر آنستکه انتظار بکار گرفتن "شمشیر" در مبارزه با "باند سیاه" امیدی واهی است.

آقای موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب، در گفتگو با خبرنگار "واحد مرکزی خبر" در تفسیر اظهارات نخست وزیر خاطر نشان ساخت:

"... مشکل اساسی در گرانفروشی و احتکار یکی توزیع صحیح و عادلانه می باشد که در این مورد باید به آندسته از بخش خصوصی که فکر خیانت در سر ندارند، امید و آزادی عمل داد تا بطور آزاد اجناس را وارد و به مردم عرضه نمایند تا با از پاد عرضه و کم شدن تقاضا مسئله گرانفروشی و احتکار برطرف گردد" (اطلاعات، ۲۳ تیرماه ۶۲).

آقای موسوی تبریزی، که قاعدتا و منطقاً - بایست به حمایت از پیشنهاد نخست وزیر با استفاده از "شمشیر" دایره عمل کلان سرمایه داران مفسد را تنگتر کند، خواهان "امید و آزادی عمل" تا توزیع است. وی برای توجیه نظر خود بدون اکره بمقوله بی محتوای عرضه و تقاضای شورپس های کلاسیک سرمایه داری، از قبیله ریکارد و اسمیت، متوسل می شود.

آقای محی الدین فاضل هندی بد رستی می گوید، اگر اینها آزادی عمل و امید و امنیت نداشتند، "کجا می شد با آزاد شدن یک کالاه از استانی به استانهای دیگر حمل می شود، بنا به آنچه گفته اند، پیش از پنج میلیون تومان سود عاید یک عده مخصوص و یک عده معین شود؟ و آنسان چگونه می توانستند "با کمال آزادی کالائیک دولت برایشان نرخ معین مقرر کرده است گاهی تا ۱۰ برابر نرخ واقعی خودش در بازار سیاه بفروش" برسانند (اطلاعات، ۱۸ تیرماه ۶۲).

دادستان کل انقلاب از بخش خصوصی، که "فکر خیانت در سر ندارد"، سخن می گویند. معیار تعیین خیانت چیست؟ آقای عزیزان، رئیس دادگاه انقلاب امور صنفی، مأمور مبارزه با احتکار، گرانفروشان و محتکرین را بدو گروه تقسیم می کند:

"یک دسته آنهاهی هستند، که قصد سود-

جویی دارند. اینها برای پر کردن جیب خودشان و برای استفاده زیاد تر اینکار را می کنند. یک دسته هم افرادی هستند، که قصد سودجویی ندارند؛ قصدشان براندازی حکومت است. باین معنی، که جنس را احتکار می کنند یا گران می فروشند تا بین مردم ناراضیتی زیاد شود".

از نظر توده های محروم جامعه هیچ فرقی بین این دو گروه نیست. همه آنها سرو ته یک گریاسند و بدون استثنا برای پر کردن جیب خودشان از بازار آشفته کنونی بهره می گیرند. بنا بر این هر دو گروه در ایجاد ناراضی عمومی نقش واحدی ایفا می کنند. هر دو گروه با گرانفروشی و احتکار مانند زالو خون تهیدستان و محرومان را می مکند. سیاست از اقتصاد جدا نیست، سیاست شکل تمرکز یافته اقتصاد است.

در جوامع سرمایه داری سود فزاینده یگانه انگیزه سرمایه گذار بوده، هست و خواهد بود. علت اصلی بیماری جامعه ما نیز در اینجا نهفته است. سرمایه دار عادل، رحیم، منصف، قانع، متعهد و در فکر زحمتکشان و حامی محرومان وجود خارجی ندارد و نمی تواند داشته باشد. به همین دلیل مردم ایران وقتی از زبان رئیس "دادگاه انقلاب امور صنفی" می شنوند، کسه می گوید گرانفروشان و محتکران سودجو را به روال همیشگی "تا ۷۴ ضربه شلاق می زنیم و جریمه هم می کنیم"، نمیتوانند بوعده نخست وزیر باور کنند. آقای عزیزان حتی "بازاریان محترم" را تیره نیز می کند. او مدعی است:

"ما آنچه داریم اکثر و اغلب از بازاریان است، چه در به ثمر رساندن انقلاب ما، بازاریان با انضباط انقلابیشان و چه بعد از انقلاب با کمک هایشان به جبهه های جنگ و دولت، نشان داد ماند، که به این جمهوری معتقدند".

آیا واقعا هم بازاریان بودند، که "اکثر و اغلب"، یعنی بطور عمده در به ثمر رساندن انقلاب نقش داشتند، یا کارگران و کارمندان و کسبه و دیگر زحمتکشان شهر و روستا؟ آیا رئیس "دادگاه انقلاب امور صنفی" نمی داند بین "پا برهنه ها" می، که در جبهه جنگی - سرانجام و بی هدف جان می دهند، با آنانیکه با استفاده از همین جنگ بحساب غارت محرومان، پیشیزی چند بعنوان صدقه به بنیادها می - پردازند، فرق از زمین تا آسمان است؟

باید حساب اصناف و کسبه جز را از حساب بازاریان غارتگر جدا کرد. ولی هم تجربه پیش از انقلاب و هم تجربه چهار سال اخیر مؤید آنستکه همیشه توزیع کنندگان جز "قربانی صحنه - سازیهای مبارزه با گرانفروشی بود ماند". تعزیر

بقیه در صفحه ۱۰

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلان و محتکران است

واقعيات در مقابل توهمات

روزنامه پراودا، در یکی از شماره‌های اخیر خود مقاله‌ای تحت عنوان "واقعيات در مقابل توهمات"، پیرامون همکاری های اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و ایران، به چاپ رسانده است.

این روزنامه در مقاله خود با اشاره به حملاتی که اخیراً از جانب برخی از مسئولین حکومتی جمهوری اسلامی ایران به روابط بین دو کشور انجام گرفته، واقعياتی را بازگو کرده که "نا آگاهی و عدم صلاحیت" حمله کنندگان را اثبات می‌کند.

در این مقاله یادآوری شده است که تمام ۱۶۰ بنگاه اقتصادی، که در ایران با همکاری علمی و فنی اتحاد شوروی ساخته شده‌اند، همگی بدون استثنا، به دولت ایران تعلق دارند. همچنین به ایجاد کارخانه ذوب آهن اصفهان اشاره شده است، که در اول ماه مارس ۱۹۷۳ (۱۳۵۴) با قدرت تولیدی ۵۵۰ هزار تن بکار افتاد.

در مقاله آمده است که:

"قراردهای این کارخانه به ایران امکان می‌دهد، هر ساله مبالغ هنگفتی ارز را که تاگزیر برای واردات فلزات خرج میشده، صرفه جویی کند."

در این مقاله با اشاره به اینکه در "بنگاه هائی که با همکاری فنی اتحاد شوروی و ایران ساخته شده‌اند، هشتاد هزار کارگر ایرانی به کار اشتغال دارند"، افزوده شده است که از طریق بنگاههای صنعتی اتحاد شوروی، "بیش از هزار کارشناس ایرانی برای ایران تربیت و پرورش داده شده‌اند."

مقاله "روزنامه" پراودا با اشاره به اینکه تمام شرکت های غربی و کارشناسان آنان در پی

انقلاب مردم ایران، کشور را ترک کرده و تمام کارخانه‌ها را به دست تقدیر سپردند، اما واحدهای صنعتی ساخته شده توسط اتحاد شوروی با وجود مشکلات به کار خود ادامه دادند، به ساختار واحدهای ساخته شده توسط غرب و مقایسه آن با واحدهای ساخته شده توسط اتحاد شوروی پرداخته و خاطر نشان ساخته است که "مثلاً سازمانهای شوروی هنگام تهیه پروژه ساختمانی کارخانه فولاد - گدازی اصفهان، تأمین آنرا با مواد خام اولیه محلی در نظر گرفتند. در این کارخانه شعبی ساخته شده است، که امکان میدهد تجهیزات ذوب فلزات را تأمین و برخی قطعات یدکی را در محل بسازند."

مقاله یادآور شده است که در هنگام محاصره اقتصادی ایران توسط کشورهای امریکاییستی، اتحاد شوروی امکانات ترانزیت کالا از سرزمین خود را در اختیار ایران گذاشت و علاوه بر آن، در آن شرایط میزان تبادل کالا با همسایه جنوبی خود را دو برابر کرد.

یکی از عرصه‌های مثبت مناسبات اقتصادی میان اتحاد شوروی و ایران، که مورد تحریف مداوم دشمنان این روابط قرار گرفته، همانا صدور گاز به اتحاد شوروی است. چنانکه میدانیم صدور گاز به اتحاد شوروی در سال ۱۳۵۸ به دست لیبیزال های حاکم در آن زمان و تأیید افرادی که در حاکمیت کنونی نیز شرکت دارند، قطع گردید.

در این مقاله آمار و ارقام گویایی در مورد ماهیت این جنبه از مناسبات اقتصادی میان اتحاد شوروی و ایران درج شده است. در مقاله آمده است که "همراه هر تن نفت استخراج شده ۱۴۰۰ متر مکعب گاز از چاه نفت

خارج میگردد و بی‌فایده در مشعلها سوزانده میشود، که حتی يك زغال نیز برای ایران سود نداشت."

طبق نوشته روزنامه "پراودا" اتحاد شوروی خود دارای ذخایر غنی گاز است و اصلاً به خرید گاز نیازی ندارد. لیکن اتحاد شوروی با پیروی از اصول حسن همجواری، موافقت کرد که در مقابل مجموعه کمکهای فنی و تجهیزات و خدمات فنی ضروری، که به ایران میدهد گاز از ایران دریافت دارد."

در این مقاله همچنین خاطر نشان شده است که "ایجاد لوله گاز همچنین امکان داد تسلا تهران، اصفهان، شیراز، بقیون و بنگاههای صنعتی و تولیدی واقع در مسیر لوله گاز از لحاظ گاز تأمین شوند."

ایران از سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۸) تا ۱۹۸۰ (۱۳۵۸)، حدود ۷۲ میلیارد متر مکعب گاز به اتحاد شوروی صادر کرد، و باین وسیله قیمت تجهیزات و مجموعه ماشین آلات وارداتی از اتحاد شوروی و هزینه خدمات فنی ساختمان کارخانه ذوب آهن اصفهان، و ماشین سازی راک و مخارج ساختمان تأسیسات آبی بر روی رود ارس و ساختمان سیلوهای غلات و مراکز آموزشی و یک عده دیگر از بنگاهها، تأمین گردید. و به زبان مقاله:

"این طرز پرداخت به ایران امکان داد یک سلسله طرحهای اقتصادی را بدون پرداخت يك دینار ارز برای خود ایجاد کند."

در مقالسه یادآوری شده است که در طول این سالها بجز اتحاد شوروی "خریدار دیگری پیدا نشده، و در نتیجه طی همین سالها ۲۵۰ میلیارد متر مکعب گاز نفتی ایران در مشعلها سوزانده شده، یعنی سه برابر و نیم مقداری که به اتحاد شوروی فروخته شد."

در مقاله همچنین یادآوری شده است که: "در موافقت نامه منظور شده بود که با ترقی و یا تنزل قیمت نفت در خلیج فارس، به همان نسبت قیمت گاز تحویلی به اتحاد شوروی هم تغییر کند. حتی در ده ساله، قیمت گاز تقریباً ۱۳ برابر شد، ولی در همین دوران قیمت تجهیزات فنی و ماشین آلاتی که اتحاد شوروی به موجب پیمانهای قبلی از صدور گاز امضا شده بود و تحویل میداد، تغییر نمی‌کرد."

در مقاله با تأکید بر اینکه از فوریه سال ۱۹۸۰، یعنی از وقتی که صدور گاز به اتحاد شوروی قطع گردید، ایران بیش از ۴۰ میلیارد متر مکعب گاز خود را بیبهره در مشعلها سوزاند، که حتی به قیمت سال ۱۹۷۹ که ایران مدعی است ارزان میفروخته، این مقدار گاز ۴ میلیارد دلار ارزش داشته و این مبلغ هنگفت را ایران بیبهره از دست داده است.

در پایان، مقاله تأکید شده، که "اتحاد شوروی آماده است مناسبات حسنه با ایران را، بر اساس برابری حقوق، و البته بر مبنای تمایل متقابل گسترش دهد. بدیهی است که برابری حقوق و تمایل متقابل واقعی را در نظر داریم، نه تفسیر و تعبیر دلخواه این مفاهیم را."

چرا اعضای "باند سیاه" و حامیان آنها...

بقیه از صفحه ۹

و جریمه گرانفروشان و یا تعطیل مغازه‌های آنان و نصب تابلوی گرانفروشی برای چند روز حتی چند ماه، که آقای عزیزان آنها بار دیگر وجه می‌دهد، نه تازگی دارد و نه می‌تواند در راه علاج کند. مگر برنامه مبارزه با گرانفروشی در دوران "ستم شاهی" جز این بود؟ در آن دوران نیز گرانفروشان را شلاق می‌زدند و بر در مغازه آنان تابلو نصب می‌کردند، ولی گرانسی کماکان پیدا می‌کرد. زیرا فقط اصناف و مغازه داران جز بودند، که شلاق می‌خوردند. بازاریان درشت و مسببین اصلی بعلت ارتباطات مرئی و امرئی با سردمداران رژیم از هر گزندی پبری می‌ماندند.

ریشه گرانسی، احتکار، تورم و دیگر مشکلات دامنگیر جامعه را باید در نظام اجتماعی - اقتصادی حاکم پی‌کاو کرد. بدون کشودن این گره اساسی هیچ تدبیری نخواهد توانست بحران عمیق حاکم بر کشور را علاج بخشد. بحران

کنونی دارای علل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گوناگونی است. تا زمانیکه این علل از بین برده نشود، بحران ادامه خواهد یافت و عمیقتر نیز خواهد شد.

هدف اساسی هر انقلاب ملی و مترقی عبارتست از ایجاد شرایط مناسب بر خور داری عادلانه از مواهب گوناگون برای اعضای جامعه. زحمتمکشان ایران هم برای دستیابی به این هدف در انقلاب شرکت کردند و قربانی دادند. بنابراین، باید چنان نهاد های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انتخاب گردد، که پاسخگوی این هدف باشد. نظام اجتماعی - اقتصادی انتخاب شده باید با تکامل تاریخی و ویژگیهای کشور مطابقت تام داشته باشد. فقط با در نظر گرفتن این ویژگیهاست که می‌توان طیف نیروهای محرکه دستیابی به استقلال اقتصادی را گسترش داد و در اسرع زمان به هدف نائل آمد. راه دیگری وجود ندارد.

نامه سرگشاده پدر یک شهید به مقامات

بقیه از صفحه ۲

شکنتان و توطئه‌گران و پیروان معاویه روز به روز قهالتر می‌شوند و مدافعان قانون و انقلاب به زندان و شکنجه و مرگ کشانده می‌شوند؟! برای من کارگر واقعاً مشکل است که تشخیص دهم در بین مقامات مسئول حاکمیت جمهوری اسلامی ایران کدامیک به اسلام راستین معتقد بوده و مدافع پیگیر انقلاب و منافع مستضعفان هستند، عملکرد مجموعه حاکمیت چنین شناختی را به ما نداده است. سوال من این است که چرا پیروان راستین اسلام و انقلاب صیغ خود را از پیروان معاویه تحت نامهای امروزی آن جدا نمی‌کنند؟! اگر من سوگند همه مسئولان را در پاسداری از انقلاب و دست آورد های آن یادآوری می‌کنم چاره ندارم، برای ما روشن کنید که چه کسانی انقلاب را به انحراف و نابودی می‌کشاند و اگر نیروی مقابله با آنان را در خود نمی‌یابید که تجربه هم این مسأله را ثابت کرده است تا از نیروی جانباز و بیگران ما برای تعمیق انقلاب و دفع شر دشمنان آن کمک بگیرید. با ایمن ترتیب که حاکمیت سیر می‌کند زندانهای کشور گنجایش همه ما کارگران و دیگر مستضعفان را نخواهد داشت؟! اگر برای برخی از مسئولان هنوز مشخص نشده است که این تغییرات از کجا ریشه گرفته و به سود چه سیاست‌هایی است از من کارگر که سی سال کار کرده و تجربه اندوخته‌ام بشنوید و قبول کنید که دلشهای بزرگ سرمایه‌داری و سرکرده آنان شیطان بزرگ آمریکا و ایسادی داخلی از این تغییرات سود برده و می‌برند و بی‌شک در طراحی و عملکرد آن مشارکت

دارند.

من و امثال من فقط امروز نیستیم که در رد و رنج ناشی از کار و مناسبات کار را تحمل می‌کنیم اقدامات ضد کارگری وزارت کار امروز که در واقع روی وزارت کار رژیم گذشته را سفید کرده است ما را از ادامه مبارزات حق طلبانه خود باز نمی‌دارد. ما عمری را در مشقت گذرانده‌ایم و امید خود را برای استقرار نظام مدافع حقوق تمام و کمال مستضعفان و برقراری عدالت - اجتماعی همواره حفظ کرده‌ایم. با توجه به همین حرکتها و تغییرات درون حاکمیت است که به روشنی صدای گامهای بازگشت امپریالیسم و مستشاران رنگارنگ آنان را به میهن بلاد یسده خود می‌شنویم.

امید وارم آن بخش تضعیف شده حاکمیت نیروی خود را به همراه همه فساداران و مدافعان صادق انقلاب مردمی ایران دوباره بدست آورند و در سایه وحدت همه جانبه ما کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه موفق شوند دست‌خائشان به انقلاب و نوکران امپریالیسم را از سر نوشت مردم مصیبت دید ما کوتاه سازند.

در خاتمه به دلایل ذکر شده آدرسی ندارم که بدان وسیله پاسخ امیدوارکننده‌های دریافت نامم مع الوصف میل دارم همکاران اداره برق قسمت تارمک در جریان پاسخ شما قرار گیرند.

با تقدیم احترام :
علی محمد واحدی - ۲۵ تیرماه ۱۳۶۲

نامه خوانندگان

به "راه توده" اشعار زیادی می‌رسند. دوستان ما با نهایت شرم و علاقه، احساسات ستودنی خویش و اندیشه‌های خود را در رابطه با یورش‌های اخیر به حزب و رهبران آن به نظم عرضه می‌دارند.

ما متأسفیم که چه بخاطر جای کم صفحات "راه توده" و چه به علت سطح متغیر و ناکافی اغلب این اشعار، ناچاریم از چاپ آنها صرف‌نظر کنیم.

رگه‌های استعداد و ذوق شاعرانه در این اشعار ارسالی کم نیست.

امید داریم دوستان "راه توده" با مطالعه هر چه بیشتر آثار ادبی کهن و جدید آشنایی با گنجینه بسیار غنی شعر فارسی و بالا بردن سطح توقع از خویشتن، اشعار هر چه بهتری برای ما بفرستند.

از جمله اشعاری که اخیراً بدست ما رسیده شعری "آنان" است که با این بیت آغاز می‌شود:

"آنان پیام آوران عشق را - در بند دروغها، بگمان خویش - به زنجیر کشیده‌اند."
اشعار "قبیله حیدر"، "تبار عشق"، از مهران از ایتالیا و شعر "به پسر" از دوست عزیز ۲۰ ر. از شیکاگو، نیز به "راه توده" رسیده است.

دوستی با ارسال شعر زیر بمناسبت دستگیری ناجوانمردانه عدای از بهترین رفقای کمیته مرکزی حزب، که دبیر اول خود را نیز در میان دارند، درد مندا نه به هواداران و اعضای حزب توده ایران اهدا شده است.
براستی که ما همه از اویم و او بی‌شک پاکترین و راست‌ترین است:

نیست منصف تر ز تاریخ گذاری خد متش
او تو را خدمت گذار د، تا به جان برتر شوی
ترك این محفل مکن در شادی و در محتش
گفت بود: کبیرین میباش تا پبتر شوی.
(از اندرزنامه عمر سروده رفیق احسان طبری)

در پی فراخوان برای شرکت در مسابقه پوستر در دفاع از توده‌های دریند، طرحهای فراوانی از دوستان و هواداران حزب توده ایران، به "راه توده" رسیده است. ما کوشش می‌کنیم که در آینده تمام طرحهای رسیده را به صورت آلبومی منتشر کنیم. در عین حال بهترین طرحها را متناوباً در "راه توده" چاپ خواهیم کرد.
ما منتظر طرحهای دیگری از دوستان و هواداران هنرمند حزب هستیم.

نقاشی، به مناسبت ۴۲ مین سالگرد تأسیس حزب، که از طرف رفقای هوادار حزب در یونان فرستاده شده رسید.



در هفته ای که گذشت:

امپریالیسم آمریکا آفریننده قانونهای تشنج و جنگ در منطقه و جهان

مانور وسیع " ستاره درخشان ۸۳ " در ۱۹ مرداد، با شرکت " نیروهای مداخله سریع " امپریالیسم آمریکا در اراضی کشورهای دست - نشاندۀ مصر، سودان، سومالی و عمان با شرکت نیروهای مسلح این کشورها آغاز شد .

این مانور حلقه ای از زنجیره اقدامات امپریالیسم آمریکا و ناتو در نقاط مختلف جهان برای ایجاد کانون های جدید تشنج، و تهدید و ارباب و سرکوب جنبش های رهایی بخش ملی است .

نیروهای نظامی امپریالیسم آمریکا، در مناطق پیرامون نیکاراگوئه در حال مانوراند، و آشکارا این کشور را به مداخله تهدید می کنند .

آمریکا مستقیماً در امور داخلی چاد و دیگر دول آفریقا، به منظور مرعوب ساختن کشورهای که سیاستی مستقل از واشنگتن دنبال می کنند، مداخله می کند . دولت آمریکا دو فروند هواپیمای آواکس پسه سودان ارسال داشته و ناوگان های خود، از جمله ناو هواپیمابر آیزنهاور را در نزدیکی آبهای لیبی مستقر ساخته است .

آمریکا همچنین تلاش دارد که روح تازه ای به پیمان " آنزوس " بدمد، تا از این طریق استرالیا و نیوزلاند را که در این پیمان عضویت دارند، در نقشه های تشنج فزاینده خود در اقیانوس آرام وارد سازد .

حکومت ریگان سیاست سرکوب هرگونه جنبش ضد امپریالیستی در تمام نقاط جهان را به سیاست رسمی خود تبدیل کرده است .

مانورهای " ستاره درخشان ۸۳ "، نیز که در این هفته آغاز شده، در واقع تمرینی است برای اشغال نظامی منطقه نفت خیز و از لحاظ سوق الجیشی مهم خلیج فارس . این اقدامات تجاوز کارانه، به منظور تحکیم مواضع آمریکا در منطقه مرزهای جنوبی اتحاد شوروی انجام می گیرد .

امپریالیسم آمریکا با این ماجراجویی های افسار گسیخته، اوضاع جهان را به شدت وخیمتر ساخته و آتش تشنج و درگیری ها را شعله ورتر ساخته است .

مانور " ستاره درخشان ۸۳ "، که یک ماه طول خواهد کشید، بار دیگر نشان می دهد که تبلیغات بنگاه های تبلیغاتی امپریالیستی و جارچیان آنان در کشورهای خاور میانه و نزدیک، از جمله در ایران، دربارۀ " خطر شوروی " کاملاً بی پایه و بی اساس است .

امپریالیسم آمریکا با دست زدن به مانور های متعدد و دامن زدن به تبلیغات ضد

شوروی، به تثبیت نیروهای ارتجاعی در این کشورها، منجمد در ایران کمک می کند .

در حاشیه استعفای توکلی و عسکر اولادی

علکرد خرابکارانه راستگرایان حاکم بر دولت چ ۱۰، بخصوص در وزارت کار و بازرگانی و رسوایی سیاستهای وزرای مربوطه که در چند ماه اخیر موجبات بالا رفتن موج نارضایتی مردم را فراهم آورد، تسلیم طلبان را واداشت که دست و تن از مهرهای رسوا شده کابینه، یعنی توکلی و عسکر اولادی را وادار به استعفا نمایند به این امید که فشار زحمتکشان بر دولت کاهش یابد .

این اقدامات پشت پرده قبل از اعلام رسمی استعفای وزرای مذکور به نحو روشنی در مقاله ای تحت عنوان " جبران مافات " در روزنامه " صبح آزادگان " (اول مرداد ۶۲) منعکس شد :

" اگر آقای صکر اولادی دست از پافشاری بر دارد و استعفا کند و دست نخست وزیر را که اقشار و گروه های عظیم جامعه اسلامی، حمایت خود را از مواضع انقلابی - اسلامی او اعلام نمودند، برای انتخاب وزیر بازرگانی دیگری باز بگذارد، و آدم های خاطی را به جامعه و قوه قضائیه معرفی کند، امت حزب الله با آغوش گرم از ایشان استقبال خواهد کرد و احترامی بیش از پیش را نثارش خواهد نمود و زیادتاش را بر ارگانی دیگر گرامی خواهد داشت . اما اگر ایشان همچنان پافشاری کند، با تأسف باید گفت فشار مردم مسلمان و انقلابی و امت حزب الله بر نمایندگان فزونی خواهد گرفت و آنان چاره ای جز اقدام نخواهند داشت و چنین حالتی، نه مطلوب است و نه مقبول "

ده روز پس از انتشار این مقاله و در جریان کشاکش درونی حاکمیت، بالاخره وزرای کار و بازرگانی " دست از پافشاری " برداشتند و حاضر به استعفا شدند . ولی بلافاصله کوششهایی از سوی برخی مقامات، بمنظور اعاده " حیثیت " و آبروی از دست رفته به وزیر ای مستعفی صورت گرفت که باز جمله میتسوان از سخنان رئیس جمهور در نماز جمعه هفته گذشته (۱۴ مرداد ماه) در این مورد یاد کرد :

" ترمیم کابینه، آمدن و رفتن چند وزیر مسئله ای نیست . چنانکه اینها امروز اینجا و فردا در جای دیگر و همیشه در خدمت انقلاب هستند (تأکید از ماست)، آنچه بیکی که ملت و مسئولین را استوار می کند تقواست . پس نباید از روی بی تقوایی حرف زد و از روی بی تقوایی نسبت به انسانهای مؤمن بدگویی کرد . "

تلاش برای در " خدمت انقلاب "، نشان دادن و " انسانهای مؤمن " نامیدن وزرای مستعفی، مؤید این نظر است که برکناری این

وزراء نه به علت مخالفت با سیاست های خرابکارانه و ضد انقلابی آنان، بلکه رسوا و بر ملا شدن سیاست های خائنانه آنها بوده است که حاکمیت را مجبور به تعویض این مهرهای خائن به انقلاب و زحمتکشان نموده است .

در مورد کارنامه " خدمات انقلابی " توکلی و عسکر اولادی، که از سوی آقای رئیس جمهور عنوان شده است، ما نیازی به توضیح نمی بینیم . زیرا سیاست خائنانه و ضد انقلابی این افراد بجز زحمتکشان میهن ما آشکار است، و آقای رئیس جمهور و امثالهم قادر نخواهند بود با ریختن آب تظہیر بر سر آنان، کارنامه خیانت و ضدیت آنها یا انقلاب را از انتظار پنهان کنند .

با وجود اینکه هنوز مشخص نیست در آینده چه عناصری پست های وزارت کار و بازرگانی را اشغال خواهند کرد، با قاطعیت می توان گفت که نمی توان برای اینگونه برکناری ها نقش تعیین کننده ای در تغییر کلی سیاست دولت قائل شد . زیرا هنوز همفکران توکلی ها و عسکر اولادی ها در حاکمیت و از جمله در دولت، پست های حساسی را در اشغال خود دارند .

دولت آقای موسوی فاقد یک پیرنامه روشن و علمی بمنظور بیرون آوردن انقلاب از بحران عمیق کنونی و برای تغییرات بنیادی به نفع زحمتکشان است .

حال که توکلی از مقامش برکنار شده، باید دستبخت او را به زباله دان افکند!

احمد توکلی، چند روز پیش از برکناری خود از مقام وزارت کار جمهوری اسلامی، در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی شرکت نمود و با اشاره به " تغییرات " حاصل شده در پیش نویس قانون کار اظهار امیدواری کرد که هر چه زودتر این طرح به تصویب هیئت دولت رسیده و برای تصمیم گیری نهائی تقدیم مجلس گردد .

بررسی این مصاحبه نشان می دهد که آقای توکلی با توسل به کلی گویی های همیشگی خود و طفره رفتن از مسئله اصلی، هیچ نکته اساسی را که بیانگر حمایت از منافع کارگران باشد، به پیش نویس سابق خود نیافزوده و تنها در مواردی به قول خودش " از نظر انشائیاتی تغییراتی در آن انجام " داده است . (کیهان ۹ مرداد ۶۲)

در حالیکه پیش نویس آقای توکلی طی سال گذشته در محافل و جلسات مختلف کارگری مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفته و کارگران مبارز با تهیه " قطعه نامه ها، جمع آوری امضا و ارسال طومار به مقامات مختلف جمهوری، تظہر قطعی خود را دربارۀ " پیش نویس قانون کار آقای توکلی و شرکا " مبنی بر روح ضد کارگری آن اعلام داشتند، وی همچنان بر مواضع سابق خود پافشاری نموده و اظهار امیدواری می کند که هر چه زودتر دستبخت ضد کارگری اش به تصویب برسد .

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

اگر برکناری توکل بنظر پلغتن راهی برای حل مشکلات و مسائل کارگران و زحمتکشان می باشد باید برنامه‌های انقلابی به نفع زحمتکشان و علیه نظام غارتگری تدوین نمود و بر اجبرای قاطعانه آن پای قشرد . استفاده از طرحهای ارتجالی نظیر پیش نویس قانون کار آقای توکلی نه تنها بحران کنونی را در زمینه مسائل کارگری مهار نمی کند، بلکه آن را عمیق تر کرده و ناراضیاتی را بیشتر می نماید .

حال که توکل از مقامی برکنار شده، اولین قدم در تسخیر اشکایات گذشته، ریختن دستبخت ضد کارگری وی در زباله دان و سپس تهیه و تنظیم قانون کار در خور انقلاب و با مشارکت فعال کارگران می باشد . تداوم سیاست توکلی بدون توکلی همچیستی نیست که مورد قبول زحمتکشان میهن ما قرار گیرد !

باید با سیاست ضد انقلابی حجتیه‌ها مبارزه کرد!

هفته گذشته برخاستی از مقامات جمهوری اسلامی، عده‌ای از نمایندگان مجلس و ائمه جمعه در سخنرانی‌های خود "انجمن حجتیه" را مورد حمله قرار دادند و از آن به عنوان نیرویی که خلائب جریان حرکت مردم سر میزند نام بردند .

از جمله، حجت الاسلام خلیجی در سخنرانی پیش از دستور خود در مجلس شورای اسلامی، در ۱۱ مرداد ماه به تشکیلات این سازمان اشاره کرد و گفت که:

" اینها اعلام کرده‌اند چون فرمایشات امام در روز عید فطر متوجه ما بوده . . . ، اعلام کردیم انجمن حجتیه در سراسر ایران تعطیل شود (نه انحلال) ."

آقای خلیجی سپس به مواضع این سازمان نسبت به جنگ و رژیم شاهنشاهی اشاره نمود و اظهار داشت:

" شما می‌خواستید تا سایه سیاه نظام شاهنشاهی و غیره بر دوش ما باشد ."

وی همچنین تأکید کرد که:

" آنکه از اعمال انجمن حجتیه راضیست شیطان زمان، آمریکاست ."

آیت الله طاهری امام جمعه اصفهان نیز در گفتگوی خود با خبرنگاری جمهوری اسلامی (صبح آزادگان ۱۳ مرداد ماه) به اصالت این انجمن اشاره کرد و گفت که این انجمن انقلاب را قبول ندارد . وی همچنین افزود که مسردم بیدارند و خطر این باند را نیز خنثی خواهند کرد .

همچنین برخی دیگر از شخصیت‌های جمهوری اسلامی ایران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی به اصالت این انجمن پرداخته و از آنها خواستند که توبه کرده و به دامن

آلفانی، انگلیسی، آمریکایی را در جابل و غارت ثروت‌های طوسی میهن ما باز بگذارد!

وزیر امور خارجه ژاپن طی دیدار با رئیس جمهور اظهار می‌کنند که:

" ژاپن سیاست نه شرقی و نه غربی ج ۱۰۱۰ را درک میکند ."

البته وزیر امور خارجه ژاپن نه اینک، بلکه از مدتها پیش این " سیاست " را درک کرده است؛ بیهوده نبود که سران هفت کشور عده سرمایه داری در اجلاس ویلیامزبورگ، با خوشحالی به این نتیجه رسیدند که " ایران فعالیت شدیدی را با هدف شکستن انزوای خود آغاز کرده است ."

" آنها هنگامی به درک این سیاست نائل آمدند که با استقبال گرم مقامات ایرانی در بازگذاشتن دست آنها برای بر کردن بازارهای ایران با انواع کالاها ی پنجل خود، روبرو شدند . طبق اظهارات سفیر ایران در ژاپن، ایران ضمن ابراز رضایت از توسعه پیوند های میان دو کشور، بخصوص در زمینه های تجاری اعلام کرده که " انتظار می رود امسال حجم مبادلات دو جانبه تجاری با ژاپن به ۶ میلیارد دلار برسد ."

این روند که در نتیجه اعمال سیاست " نه شرقی، نه غربی " تعبیر شده از سوی حاکمیت فعلی است، پرده از ادعاهای تو خالی عدم وابستگی به کشورهای امپریالیستی بر میدارد و بر همگان آشکار میکند، که این روابط نه تنها از وابستگی کشور ما به کشورهای امپریالیستی نکاسته، بلکه افزون نیز گشته است .

مقامات بلند پایه ج ۱۰۱۰ که چهار نعل بسوی استقبال انحصارات غارتگر ژاپنی و دیگر متحدان غربی آن می‌شایند، برای توجیه این سیاستها ادعا میکنند که گویا امپریالیسم آمریکا، ژاپن، کشور " دوست آسیایی " ما را فریب داده است! حجت الاسلام خاتمی وزیر ارشاد اسلامی اخیرا ضمن دیدار با سفیر ژاپن اعلام میکند که:

" اگر تا کنون در بعضی موارد اقتصادی و صنعتی میان ایران و ژاپن مشکلاتی وجود داشته است ما آنرا هم ناشی از توطنه و فتنه گری امپریالیسم خصوصی شیطان بزرگ میدانیم . مسئولین جمهوری اسلامی ایران بخوبی می دانند که ژاپن یکس از کشورهای رشد یافته سرمایه داری است که تا مرحله امپریالیستی پیش رفته است! آنها می دانند که ژاپن و دیگر کشورهای اروپای غربی متحدان طبیعی آمریکاستند . آنها می دانند که سرمایه های انحصار گری که در این کشورها قدرت جاکه را در دست دارند، سرمایه های " چند ملتی " هستند، که در آنها " سهم شیو " متعلق به انحصارهای آمریکایی است . اما با این وجود، به تشویق ژاپن و کشورهای سرمایه داری غربی و از آن طریق امپریالیسم آمریکا برای ورود از درو پنجره به میهن پلاکشیده ما مشغولند!

رویدادهای امروز نشان میدهد که از لحظه یورش به حزب ما تا کنون، به موازات هر خطبه‌ای که علیه حزب ما خوانده شده بهشت پرده مناسبات تازه تری با امپریالیستها برقرار گردیده است .

جمهوری اسلامی بازگردند . آنچه که بایستی در این رابطه متذکر شد اینست که، هر چند این افشاگری از طرف افراد فوق به خودی خود مثبت است، و ماسک از چهره یکی از باند های ضد انقلابی که نقش مهمی در فعالیت های سازمان داده شده علیه انقلاب و نیروهای انقلابی داشته برداشته میشود، اما انجمن حجتیه تنها نیروی ضد انقلابی که بطور متشکل علیه انقلاب فعالیت می‌کنند نیست . سازمانها و باند های متشکل " سیا " ساخته رنگارنگ، مخفی و علنی پرنفوذ دیگری نیز هستند که همچون " حجتیه " و حتی بسیار فعالتر از آن عمل می‌کنند .

نکته اساسی که باید به آن توجه کرد، آن است که خط و نشان کشیدن برای این سازمان و یا احیانا سازمانهای نظیر، با توجه به سابقه " جنگ و دندان نشان دادن های " اینچنانی بهیچ وجه نمی‌تواند به معنی مبارزه با سیاستی تلقی شود که این سازمانها به پیش می‌برند . باید گفت که بسیاری از نکات سیاسی تبلیغ شده توسط این سازمانها دیگر مدتهاست به سیاست حکومتی تبدیل شده و به مرحله اجرا در آمده است .

مبارزه با سازمان حجتیه و امثالهم، زمانی معنی خواهد داشت که با سیاست ضد انقلابی این باند ها که عدت تا شهری ستیزی، کمونیسم و توده ستیزی، کارگر ستیزی، سیاست نزدیکی به غرب، سیاست تأمین مناقع فارنگران و . . . است، و اکنون دیگر به سیاست حکومتی ج ۱۰۱۰ تبدیل شده است، مبارزه شود . لیبرالها رفتند اما سیاستشان باقی ماند . قطب زاده اعدام شد ، ولی سیاست اعمال شده توسط وی در عده ترین خطوط از طرف وزارت امور خارجه کنونی ادامه داده میشود . مسئله اصلی مقابله با این روند مغرب و انقلاب برانداز است!

امپریالیسم ژاپن نمی‌تواند دوست مردم ایران باشد

در هفته گذشته، وزیر امور خارجه ژاپن به دعوت وزیر امور خارجه ج ۱۰۱۰ وارد تهران شد و با رئیس جمهور، نخست وزیر و وزیر امور خارجه دیدار و گفتگو کرد .

وزیر امور خارجه ژاپن در دید و ورود خود، طی گفتگویی به اهداف سفرش اشاره کرده، گفت:

" من معتقدم که ایران بعد از انقلاب بسوی ثبات می‌رود و لازم است ما روابط خود را با ایران تحکیم بخشیم ."

وی ضمن اشاره به بهبود اوضاع اقتصادی ایران گفت:

" بنظر من اقتصاد ایران بسوی توسعه پیش می‌رود . من امیدوارم که آمدن من به ایران باعث گسترش روابط اقتصادی ایران و ژاپسن شود . زیرا احساس میکنم محیط ایران پراز جنبو جوش و فعالیت است ."

ناگفته پیداست که امپریالیستها از کدام " ثبات " و " توسعه اقتصادی " بویچسند آمد هاند؛ ثباتی که منافع غارتگرانه آنها را تأمین و تضمین کند؛ ثباتی که دست انحصارات ژاپنی،

۱۳۱۳ - ۱۳۱۲

ر چپاول و غارت
ناردا!
بیدار با رئیس

غریب ج ۱۰۱۰

اینک، بلکه از
رک کرده است
ده سرمایه

وشحالی

آزمودن خطاست!

طی آن کمو -
می شوند -
و دیگر بلند -
استاد ازل گفت

نوسته -
مونیسم در کشورهای آسیا
و منجمله ایران عاقبت شومی برای آمریکا در پسر
خواهد داشت - دکتر مصدق توانست سرانجام
یا کمک کمونیست ها مجلس ایران را منحل کند و
آمریکا مصمم است از توسعه کمونیسم در کشورهای
آسیا جلوگیری کند (کیهان ۱۵ مرداد
ماه ۱۳۳۲)

اینکه اکثریت قاضی شرکت کنندگان در
فرماند و با دادن رای به انحلال مجلس هفدهم
راه تدام نبرد علیه نفتخواران جهاننسی را
انتخاب کرده بودند نمی توانست موجدیات ناراحتی
امپریالیسم " یانکی " را فراهم نیاید - بهمین
سبب، آیزنهاور در مصاحبه مطبوعاتی با لحنی
که در عرف دیپلماسی بی سابقه بود گفت:
" البته مصدق در این اقدام از حربه
کمونیست ایران استفاده می برد - تمام این اوضاع
آن صفحات برای آمریکا شوم و نحس است - زیرا
اگر دنیا این نقاط را از دست بدهد، چگونه
می تواند امپراطوری ثروتمند اندونزی را نگاه
دارد - در این صورت ملاحظه می کنید که این
راه را در جایی باید مسدود کرد و دیر یا زود
بایستی مسدود گردد و ما مصمم به این کار هستیم"
(اطلاعات، ۱۵ مرداد ماه ۱۳۳۲)

چنین است معنا و مفهوم آن پندی که سران
جمهوری اسلامی باید از تاریخ بیاموزند - آری
اعضای حزب توده - ایران همانند میلیونها
ایرانی میهن پرست در فرماندوم شرکت جستند و
رای مثبت دادند - نگرانی امپریالیسم آمریکا از

نفوذ کمونیسم نبود - " واشنگتن " بهتر می -
دانست، که حزب توده - ایران در آن ایام
هم از فعالیت طنی و آزاد محروم بود - امپریا -
لیسم آمریکا از سرایت اینج نهضت های رهاشی -
بخش طی به سراسر کشورهای تحت سلطه و
" امپراطوریهای ثروتمند " بیناک بود - آنچه
سلاطین و همدستان آنان را می هراساند بیداری
صد ها میلیون انسان در کشورهای نفت خیز
بود - انحصارهای ذیل پیکر گردانندگان اصلی
اهرمهای دول امپریالیستی برای تحمیل افکار
عمومی به حربه شناخته شده " خطر کمونیسم "
پناه می بردند - هنگامیکه انقلاب شکوهمند مردم
ایران در روزهای فراموش نشدنی بهمن ماه ۵۷
می رفت تا به سلطه امپریالیسم و مزدوران ایرانی
آن در میهن ما پایان بخشد، تاریخ دوساره
تکرار شد - شاه معدوم برای نجات تاج و تخت
خود نغمه " خطر کمونیسم " و " نفوذ کمو -
نیست ها " در تظاهرات ملیونی را دوساره
سرداد و همه رسانه های گروهی امپریالیستی آنرا
در مقیاس گستردهای پخش کردند -

این شیوه مطرود از فردای پیروزی انقلاب پا
شدت و حدت روز افزونی ادامه یافت - پسه
اصطلاح نفوذ حزب توده - ایران در ارگان
های دولتی و " نهاد های انقلابی " موضوع
اساسی راد یوهای ضد انقلاب و ورق پاره های
شده، که بختیارها و امینی ها در خارج انتشار
دادند و اعمال آنان این اراجیف را در داخل
تکرار می کردند - دیروز آقای فلسفی برای تهیه
تدارک شکست نهضت ملی کردن نفت بر سر هر
منبری از " خطر کمونیسم " سخن می گفت؛ امروز
هم همان آقای فلسفی و دیگر همدستانش همان
نخسه های کهنه را اینبار برای احیا " مواضع امپر -
یالیسم سر می دهند - دیروز سرگرد فردوست
برای خوشترقی در برابر شاه و اربابانش برای

حزب توده - ایران پرونده سازی می کرد؛ امروز
هم همان آقای فردوست در مقام مشاور امنیتی
جمهوری اسلامی وظیفه " مشابهی را به عهده
دارد - دیروز امپریالیستها حزب توده - ایران
را به " تدارک کودتا " متهم می ساختند؛ امروز همین
آن اتهام را از زبان فرمانده کل سپاه پاسداران
می شنوم - دیروز اعضای حزب توده - ایران
را برای حفظ منافع امپریالیسم روانه سیا هچال
ها می کردند؛ شکتجه می دادند و می کشتند؛ امروز
هم در بهمان پاشنه می چرخد تا خاطر " شیطان
بزرگ " را از این رهگذر آسوده سازند - امروز
هم مانند دیروز هدف کمونیسم ستیزی هبارت است
از تأثیر در روند اجتماعی، اقتصادی و سیاسی
بقتد احیا " مواضع از دست رفته امپریالیسم تجربه
تلخ کشور ما و نه تنها کشور ما بارها به ثبوت
رسانده، که امپریالیسم و نواستعمار برای استقرار
سیستم قیادت اقتصادی و سیاسی همیش از سلاح
" خطر کمونیسم " بهره برد هاند - آنانیکه از
این تجربه تاریخی پندی نمی گیرند، دیر یا زود
پشیمان می شوند - مؤلف کتاب " دفاع دکتر
مصدق از نفت در زندان زرهی " نقل قولی از
او می کند، که بسیار ارزنده و آموزنده است - دکتر
مصدق در زندان لشکر ۲ زرهی بدرستی اظهار
داشت:

" کمونیسم را بهانه کرده اند، برای اینکه ۴۰
سال دیگر از معادن نفت ما سو استفاده کنند
و برای ادا نه سو استفاده ملت ایران را از
آزادی و استقلال محروم نمایند " -
اینک که با طرح مجدداً فسانه " خطر
کمونیسم " هزاران نفر از اعضای حزب توده -
ایران و دیگر مبارزان راه آزادی و استقلال
کشور را روانه سیا هچالها، و احزاب ملی و مترقی
را غیر قانونی اعلام کرده اند و می روند تا سیستم
قیادت نواستعماری را از نوزنده سازند و برای
این نیز ملت ایران را از آزادی و استقلال محروم
کرده اند، یاد آوری این حقیقت از زبان آقای دکتر
مصدق بیتر از پیش اهمیت دارد - آزمودن خطا
آزمودن خطا است -

بر بالا نگاه داشتن نرخ بهره پار سنگینی برای
مناسبات اقتصادی بین المللی است -
نشانه های موجود حاکی از احتمال بالا
رفتن بعدی نرخ بهره در آمریکا، و نظرگاههایی
که در بازارهای مالی غرب در مورد تکامل آتی
اقتصادی در کشورهای سرمایه داری پیدا شده
است، منجر به هجوم همه جانبه برای خرید
دلار گردیده است - بانکها و دیگر سرمایه -
داران با تبدیل سرمایه خود از ارزهای دیگر
به دلار قصد استفاده از این شانس را دارند
که همراه با افزایش نرخ بهره، دلار در آمریکا
سود های بیشتری به چنگ آورند -
همین جستجوی سودجویانه دلار است که
منجر به افزایش مصنوعی نرخ مبادله آن در بازار
های ارزی بین المللی گردیده و مسائل بحرانی
را در مناسبات ارزی کشورهای سرمایه داری
موجب شده است -
بانکهای ناشر اسکناس در آلمان غربی، واپس
بقیه در صفحه ۱۶

چرا نرخ دلار بالا می رود؟

دو برابر سال مالی گذشته است -
بطوریکه روزنامه " فرانکفورتر روندشواو "
چاپ آلمان غربی مینویسد، این کسری بودجه
عظیم در درجه اول حاصل برنامه " غل آسای
تسلیحاتی ایالات متحده " آمریکا است - در سال
مالی جدید رقم هزینه های نظامی به ۲۶۳
میلیارد دلار رسیده است -
دولت آمریکا، برای اینکه گودلهای بودجه
خود را پر کند، احتیاج به مقادیر هنگفتی اعتبار
ذمرد - جستجو برای یافتن اعتبار از جانب
دولت آمریکا با این منجر شده است، که نرخ بهره
در مقایسه با دیگر کشورهای سرمایه داری بطور
مصنوعی بالا برود -
دست اندرکاران امور اقتصادی بارها
یاد آور شده اند، که سیاست " واشنگتن " مبنی

هفته گذشته نرخ مبادلاتی دلار در بازار
های ارزی بین المللی به بالاترین حد خود طی سال
های اخیر رسید - در فرانکفورت برای هر دلار
باید ۷۱۲۰ / ۲ مارک (آلمان غربی) پرداخت
میشد - این مساوی آن ارزشی است، که دلار
در سپتامبر سال ۱۹۷۵ در بورس فرانکفورت
دارا بود - همچنین نرخ برابری دلار با فرانک
فرانسه، لیر ایتالیا و فرانک سویس به نرخ های
بی سابقه نزدیک شد -
کارشناسان، علت این امر را سیاست دولت
آمریکا مبنی بر بالا نگاه داشتن نرخ بهره و
همچنین بد هکاری های بزرگ این کشور می -
دانند - مطابق ارقام رسمی، کسر بودجه سال
مالی جاری، که سی ام سپتامبر پایان می یابد
برابر با ۲۰۹ / ۸ میلیارد دلار است، که تقریباً

انقلاب مشروطه ایران

به مناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت ایران

روز ۱۴ مرداد مصادف است با سالگرد یکی از مهمترین رویداد های تاریخ معاصر ایران: انقلاب مشروطه انقلابی که با شرکت توده مردم و به همت انقلابیون نامداری بر سر جاده تاریخ کهنسال ایران، علامت پارزی از یک چرخش است. انقلاب مشروطیت ایران در عهد متریسن خصلت های خود انقلابی بود ملی و دموکراتیک، انقلابی بود علیه سلطنت و اختیارات مستبدانه و نامحدود شاه، علیه نظام فئودالی و خان خانی و سیطره دربار و وابستگان به آن، علیه استعمال بیگانه و فارت های بی حسابش و امپریالیسم که در نخستین گامهای امتیازاتی استقلال شکن بدست می آورد. مشارکت وسیع مردم محروم شهرها و دهات مهر مردمی عمیقی بر چهره این انقلاب زد و صفحات درخشان و افتخار آمیزی را در تاریخ میهن ما به ثبت رسانید، تا کسه آزادی از خون برآید.

ولی انقلاب بواقع همروز نشد، مسخ شد و در چنگال کارگزاران استعمار و ارتجاع و زور و زور پهر زد. شعلهای بود و خاموش گرد نماند. نغمهای بود و بردند از یاد.

امروز برای ما درسهای شکست و درک علل آن حائز نهایت اهمیت است. اهمیت بررسی این آزمون بزرگ تاریخ معاصر میهن ما، خصوصاً در شرایطی که راستگرایان مدافع کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی بکمک تسلیم طلبان در عهدترین مواضع اقتصادی و سیاسی ج ۱۰۱۰ به قدرت رسیدند، و باپورشی به حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، ضد انقلاب و ارتجاع داخلی و خارجی پسرکردگی امپریالیسم آمریکا راه بازگشت و شکست را به انقلاب ۲۲ بهمن تحمیل کردند، از فعلیت خاصی برخوردار است.

شکست نتیجه تسوئنه امپریالیسم خارجی (انگلستان و روسیه تزاری) و عمل عناصر د و رونا استوار داخلی، مسخ تدریجی آن بدست عاصری بود، که مانند موریانه انقلاب را از درون خوردند. لنین نوشت:

"این توطئه ایست مستقیماً برای خفه کردن انقلاب آسیا" و خطاب به کارگران گفت: "سرمایه داری شما را می بلعد، ایران و هر جای دیگری را خواهد بلعد. تا آن گاه که شما او را سرنگون کنید، سرمایه داران لیاخوقهای خود را به ایران می فرستند. وظیفه مارکسیستها آنست که سرمایه داری را در پیشگاه کارگران افشا کنند."

در انقلاب مشروطیت از یکسو، لیاخوقها و صدرا لاشراف ها میادین تیرباران و شکنجه گاه ها را سرخ قام کردند. از سوی دیگر عوامل فئودی و لیبرال های آن زمان به تکاپو افتادند.

همانهایی که امروز ریش می گذارند و تسبیح می گیرند، آن روز یا متحد و مشروطه خواه شدند، یا اسلام نمای افراطی، تنی زاده ها و مشیرالدوله ها و ناصر الملک ها و حکیمی ها مانند موریانه به جان انقلاب افتادند و به نام "انقلابی"، انقلاب را مسخ کردند. در نتیجه کسانی که در پایان کار پیروز شدند، عین الدوله ها و شجاع السلطنه ها و ظل السلطان ها بودند، که دوازه به نام مشروطه، همان بساط کهن را با دستکارهایی برقرار کردند. در این میان بازی خورد مهائسی نظیر بیهم خان ها، در عمل آلت دست ضد انقلاب شدند.

دوستان نادان انقلاب کارشان بمقابله با انقلاب و کشتن انقلابیون اصیل کشید. در آن زمان هم "اسلام نمائی" برای شکست مشروطه، خواهی رسم شد و شخص محمد علی شاه با پسای برهنه به سقاخانه ها می رفت و شمع می گذاشت و روحانیونی که با دربار و سفارتخانه ها رابطه داشتند، با تظاهر به اسلام، با انقلاب مخالفت می کردند. بیم از توسعه نهضت انقلابی، ترس از توده زحمتکش و حق طلبی که خواسته های مستقلانه خویش را مطرح می کرد، قریب خوردن از دشمنانی که به همیشه دوست درآمده بودند، تحمل عناصر مشکوک و نفوذی، انقلاب را ضربه پذیر کرد و آنگاه که موریانه ها کار پلیس خود را آغاز کردند، دیگر تا مسخ آن فاصله ای نبود، بویژه که تناسب نیروها در عرصه جهانی هنوز بسود خلقها و بزبان سرمایه داری انحصاری و ارتجاع و استعمار نبود و دنیای ما تازه در آستانه دوران نوین تکامل خویش قرار داشت. مردم قهرمان ما در این مبارزه نام تپناک ستار خان ها و باقرخان ها، حیدر عوامی ها و علی مسیو ها و روحانیون مشروطه طلبی چون طباطبائی ها و بهبهانی ها و ملک المتکلمین ها و شیخ سلیم ها را بر نامه تاریخ خود نوشتند. اگر تاریخ را نه در استان جالب گذشته ها، بلکه درسی آموختنی برای حال و آینده بدانیم، از انقلاب مشروطه بسی چیزها فرا خواهیم گرفت. این پندگیری بخاطر اقدام برای نجات انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن از شکست است، انقلابی که بزرگترین رویداد تاریخ ماست و اکنون در معرض شدید ترین توطئه ها و مکارانه ترین دامها قرار دارد و انواع دستجات و انجمنها و موریانه های لیبرالی و قشری و انحصار طلب و اسلام نمسا و سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی و عوامل آنها که در تمامی ارگانها و نهاد های دولتی و غیر دولتی ج ۱۰۱۰ جای گرفته اند، در صدد مسخ کامل آن و سترون کردن آن هستند. وظیفه همه انقلابیون است که انقبساط مشروطه ایران را گرامی بدانند، در رسای آن را بیاورند و ترویج کنند.

تشکیل جبهه نجات...

بقیه از صفحه ۵

با نگرانی فزاینده شاهد عواقب منفی حضور واحد های نظامی آمریکائی و دیگر کشورهای عضو " ناتو "، برای حق حاکمیت لبنان نیز هستند. روزنامه " النداء " می نویسد، که هدف آمریکا نیها بدست آوردن سلطه کامل بر تمام منطقه خاور نزدیک است. آمریکا نیها در نظر دارند، جنبش های رهائی بخش ملی عسرب و دولتهای عربی را، که سیاست ضد امپریالیستی دارند بعنوان دشمن اصلی معرفی کنند. بدین جهت تشکیل دهندگان جبهه، مخالف تبدیل لبنان به سرهل عطیات تجاوز کارانه امپریالیسم علیه کشورهای دیگر و بخصوص کشور همسایه سوریه هستند.

از این نظر، "جبهه نجات ملی لبنان"، همکاری با سوریه و سازمان آزادی بخش فلسطین را یکی از اصول فعالیت خود اعلام کرده است. سوریه و سازمان آزادی بخش فلسطین نیز از جانب خود تشکیل این جبهه را بعنوان گامی بس مهم در راه نوسازی نیروهای ملی در لبنان تهنیت گفته اند.

یکی دیگر از هدفهای "جبهه نجات ملی لبنان" حفظ خصلت عربی جمهوری لبنان و اجرای آنچنان سیاست داخلی است، که در شرایطی دموکراتیک منافع تمام گروههای اهالی را بحساب آورد. باین ترتیب میبایست نقشه های نیروهای ارتجاعی، که میخواهند لبنان را از خانواده کشورهای عربی بیرون بیاورند، خشی گردد.

این جبهه که بی گیری سنت های "جنبش ملی-مترقی" را وظیفه خود اعلام کرده در نظر دارد، بتدریج رویانای سازمانی خود را مستحکم کند. در نشر گفته میشود، که عالیترین ارگان جبهه "کنگره عمومی خلق" است، که در آن هیأت اجرائیه جبهه انتخاب می گردد. همچنین تشکیل کمیسیون های متعددی از کارشناسان برای بررسی مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی نظامی، اطلاعاتی و غیره در نشر پیش بینی شده است.

اکنون اعضای "جبهه نجات ملی لبنان" کوشش می کنند دیگر سازمان های سیاسی کشور را به همکاری با آن جلب کنند، بطوریکه پایسه تودهای جبهه گسترده تر شود و هدفهای سیاسی آن در تمام گوشه و کنار کشور به آگاهی تودهای مردم برسد.

رشید گرامه، یکی از رهبران این جبهه، تأکید کرده که درهای این جبهه بر روی همه آن نیروها و شخصیت هایی که خود را موظف به دفاع از منافع ملی خلق لبنان احساس می کنند، برای همکاری گشوده است.

بقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیسمی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق



پنتاگون در دریای مدیترانه هیستری جنگ را دامن میزند

ایالات متحده آمریکا بار دیگر اوضاع را در بخش مرکزی دریای مدیترانه بحرانی کرده است. در لحظه کنونی آمریکا بیش از سی کشتی از ناوگان ششم خود و از جمله ناو هواپیماپر "آیزنهاور" را در این منطقه متمرکز کرده است. موافق نقشه‌های نظامیان آمریکا، هواپیماهای این ناو باید در حول سواحل لیبی پرواز در آیند. "تاس" خبرنگاری اتحاد شوروی، خبر می‌دهد که صحبت بر سر تهدید مستقیم لیبی از جانب آمریکا است. اما تشدید حضور نظامی آمریکا در دریای مدیترانه تنها کشور لیبی را تهدید نمی‌کند. منافع ملی و امنیت دیگر کشورهای منطقه نیز در معرض خطر بسیار مخدی قرار گرفته است.

جلسات شورای مرکزی سازمان آزادی بخش فلسطین در تونس

شورای مرکزی سازمان آزادی بخش فلسطین طی جلسات خود در تونس، مسائل جاری و اوضاع خاور نزدیک را مورد بررسی قرار داد. نشست فوق العاده‌ای که بریاست خالد الفهم، رئیس شورای ملی فلسطین، تشکیل شده، یاسر عرفات، رئیس کمیته اجرایی "ساف"، نیز شرکت داشت. بطوریکه خبرگزاری فلسطینی "وفا" اطلاع می‌دهد، در این نشست وضع اهالی مناطق عربی اشغال شده توسط اسرائیل، مناسبات بین‌المللی سازمان آزادی بخش فلسطین و همچنین مسائل دیگر، در دستور کار بوده است. "وفا" گزارش می‌دهد که جو جلسات حاکی از کوشش برای حفظ وحدت در جنبش فلسطین بوده است. کمیته اجرایی "سازمان آزادی بخش فلسطین" مأموریت یافت که یک کمیسیون ویژه تشکیل دهد که وظیفه آن قطع مداخلات داخلی در سازمان "الفتح" خواهد بود.

دعوت برای چهارمین روز اعتراض در شیلی

در شیلی سازمان مخالف دولت بنام "پردن" که بتازگی پایه گذاری شده، خواهان استعفا پینوشه، دیکتاتور شیلی، گردیده است. دیکتاتور پرتالس، دبیر کل سازمان "پردن" چند روز پیش مجدداً خواهان احیاء دموکراسی در کشور شد. او از مردم شیلی دعوت

کرد، که در روز یازدهم اوت که بعنوان چهارمین روز اعتراض اعلام شده است، بطور فعال در راه پیمائی ها و مراسم دیگری که برگزار میشود شرکت کنند.

ردلفو سکوئل، رئیس فرماندهی ملی کارگران و اتحادیه کارگران معادن من شیلی، پیشنهاد کرده است که در مورد بازگشت دموکراسی يك همه پرسی در کشور سازمان داده شود. در کلیسای والهاریسوا، چهل نفر دست به اعتصاب غذا زدند، تا با بدینوسیله اعتراض خود را نسبت به رژیم ترور در شیلی ابراز دارند.

فرستاده رژیم السالوادور با ماخیم بگین ملاقات کرد

بگین نخست وزیر اسرائیل، هیئت نمایندگی رژیم تروریستی السالوادور را بحضور پذیرفت. خوزه گسرو، رئیس این هیئت نمایندگی، پس از این دیدار گفت، که طی آن تقویت مناسبات دو جانبه مورد موافقت قرار گرفته است. بگین هیئت نمایندگی را با ذوق و شوق بسیار صمیمانه پذیرا شده است. اسرائیل سالی است، که از ارسال کنندگان اصلی سلاح برای رژیم‌های دیکتاتوری آمریکای مرکزی است. نیروهای مسلح رژیم السالوادور حدود ۸۰ درصد سلاحهای وارداتی خود را از اسرائیل دریافت می‌دارند. در دسامبر سال گذشته دولت اسرائیل با هند و ژاس هم یک موافقت نامه کمک نظامی امضا کرد.

چهل میلیون آمریکایی گرسنگی میکشند

ارنست مریال، شهردار نیوارلثان، طی کنفرانسی در واشنگتن پایتخت ایالات متحده آمریکا اعلام کرد، که چهل میلیون تن از شهر وندان آمریکایی نمی‌توانند در شیان، روز سه وده غذا بخورند. او که پیرامون "گرسنگی در شهرهای آمریکا" صحبت می‌کرد، افزود که گرسنگی در آمریکا ابعاد غیر قابل تصویری بخود گرفته است.

علت دامنه دار تر شدن گرسنگی کاهش بودجه‌های مربوط به امور اجتماعی از جانب دولت است، که در عین حال ارقام مظیمی را به امر تسلیحات اختصاص میدهد و بیکاری عمومی را پیوسته گسترده تر میکند. عده کسانیکه مجبورند، به صف دریافت کنندگان یک وعده سوپه مجانی به پیوندند، روز بروز بیشتر میشوند. در واشنگتن، او وسط هفته گذشته پانزده هزار نفر از اهالی نیازمند مجبور بودند، ساعات طولانی در صفوف بی‌پایان جلوی ۱۶ کلیسا در انتظار بمانند، که قرار بود غذای رایگان توزیع کنند. بسیاری از گرسنگان از ساعت هفت و نیم صبح با بردباری صف کشیده بودند، تا حوالی ظهر چیزی برای سد جوع به آنان داده شود.

در افغانستان محصولات صنعتی ده درصد افزایش یافته است

محصولات صنعتی افغانستان در سه ماهه اول سال جاری ۱۳۶۲ در مقایسه با سال گذشته، ده درصد افزایش یافته است. این مسئله بدینال یک جلسه شورای وزیران، که نتایج فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی در کشور را مورد بررسی قرار داده بود، اعلام گردید. در این جلسه همچنین گفته شد، که در امور حمل و نقل و کشاورزی نیز موفقیت‌های چشمگیری نصیب جمهوری دموکراتیک افغانستان گردیده است.

جرانخ دلار بالا می‌رود؟

بقیه از صفحه ۱۴

و دیگر کشورهای سرمایه‌داری، برای اینکه تناسبات ارزهای جلوی تردید رشد یافته در بازارهای ارزی را سد کنند مجبور شدند بطور دایره‌دار برای حفظ نرخ برابری ارزهای ملی خود وارد عمل شوند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در برمن هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

برمن ۱۵۰۰ مارک بابک (برلن غربی) ۱۵۰ مارک

RAHE TUDEH

No. 54

Friday, 12 Aug. 83

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600.	L.
France	Fr.	U.S.A.	40
Austria	Sch.	Sweden	3
			Skr.

